

برگزاری اول مه، روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف

همبستگی اتحاد، چاره ظلم و بیداد، صفحه ۲



روز جهانی کارگر امسال، تبلور یک اتحاد طبقاتی و اجتماعی

مهران محبی، صفحه ۹

گزارش تکمیلی از تحركات در روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف صفحه ۷

اول ماه مه؛ روز سرافرازی مجدد کارگران و مزدبگیران

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۵

تحميل فقر بر مردم، ساخت مقبره برای حسن نصرالله

مهران محبی، صفحه ۸

فشار امنیتی بر کارگران بندر رجایی - حسن صالحی صفحه ۸

تجمع کارگران ارکان ثالث فلات قاره در یازده اردیبهشت و اخباری دیگر صفحه ۱۰

اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، و کارگران رسمی نفت و خبری دیگر صفحه ۱۴

تجمع اعتراضی خانواده های جانباختگان انفجار بندر رجایی صفحه ۱۵

فراخوانهای گسترده به مناسبت روز جهانی کارگر، حمایت بازنشستگان نفت از مردم

بندرعباس و اخباری دیگر صفحه ۱۵

اعتراضات علیه اعدام و در حمایت از سه شبیه های نه به اعدام صفحه ۱۳

مدیای اجتماعی

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر: از معدن تا بندر، محل قتل کارگر! اعتصابات سراسری راه حل!، صفحه ۱۹

گزارش مراسم روز جهانی کارگر (۱ می) در زندان زنان اوین، صفحه ۴

گزارش میدانی از انفجار بندر رجایی و وضعیت کارگران بلوچ، صفحه ۱۶

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند، صفحه ۲۰

بهره‌کشی سیستماتیک از زندانیان در ایران، آتنا دائمی، صفحه ۱۷

بیانیه بمناسبت ۳ می، روز جهانی آزادی مطبوعات و رسانه، صفحه ۱۸

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۸۲

۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

۵ مه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

از معدن تا بندر، دادخواهی

قتل کارگر

یاشار سهندی، صفحه ۳

اتحاد ما پاسخ ما به حکومت

فاجعه آفرین جمهوری

اسلامی است

کارگر کارگاهی - حمید

دائمی، صفحه ۶

نگاهی به مبارزات

بازنشستگان

گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که

گذشته صفحه ۱۱

تجمعات بازنشستگان

مخابرات در چندین شهر و

خبری دیگر صفحه ۹

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۳



برگزاری اول مه، روز جهانی کارگر در شهرهای مختلف همبستگی اتحاد، چاره ظلم و بیداد

امروز پنجشنبه، ۱۱ اردیبهشت برابر با اول ماه مه، در کرمانشاه به دنبال فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، انجمن فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه، بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان تجمعی بزرگ را برگزار کردند. در این تجمع اعتراضی یکی از شرکت کنندگان طی سخنانی به مناسبت روز جهانی کارگر کیفرخواستی علیه سرمایه داری داد و روز جهانی کارگر را شادباش گفت. سخنان او با کف زدن جمعیت همراهی شد. سپس جمعیت یک صدا شعار دادند: "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر"، "معادن سودآور آوار مرگ کارگر"، "شورای عالی کار حامی سرمایه دار"، "بازنشسته پیاخیز برای رفع تبعیض"، و "ایران پر در آمد چه بر سر تو آمد". در این تجمع همچنین از روز معلم و خواستهای معلمان و همبستگی برای پیگیری آنها صحبت شد و جمعیت با شعار و کف زدن همراهی میکرد. به علاوه سخنرانان بر آزادی کارگران زندانی و معترضین در بند تاکید کردند و آزادی فوری آنها را خواستار شدند.

همچنین گزارشات از پخش وسیع تراکتهایی به مناسبت روز جهانی کارگر و شعارنویسی ها بر در و دیوار در کرمانشاه و تهران و دزفول و بسیاری از شهرهای دیگر حکایت میکند.

در این روز همچنین در پاسخ به فراخوان سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان، معلمان شاغل و بازنشسته در شهرهای مختلف از جمله تهران، شیراز، کرمانشاه، اسلام آباد غرب، نورآباد ممسنی، هرسین علیرغم فضای شدید امنیتی مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برگزار کردند. و بدینگونه معلمان با اعلام خواستهایشان و برای پیگیری آنها به استقبال هفته معلم رفتند.

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمعات برای امروز یازدهم اردیبهشت، اول مه روز جهانی کارگر را به هفته معلم متصل کرد. معلمان در تهران و رشت در پاسخ به این فراخوان بر برگزاری تجمع و گرامیداشت روز جهانی کارگر تاکید کرده بودند. در عین حال بازنشستگان نیز که به مناسبت روز جهانی کارگر و برای پیگیری مطالباتشان فراخوان به تجمعات سراسری داده بودند، در شهرهای تهران و رشت و کرمانشاه به شرکت در تجمعات معلمان در این روز تاکید کرده بودند. این تجمعات مصداقی از اتحاد شاغل و بازنشسته بود.

بنا بر گزارشات در چند روز اخیر فعالین صنفی در استان های قزوین، کردستان، فارس، خوزستان، مازندران و کرمانشاه، گیلان، و مشهد ... با انواع شیوه ها مورد تهدید قرار گرفتند. حتی برای معلمان پیامک ارسال شد و مورد تهدید قرار گرفتند که تجمع "غیرقانونی" است و نباید در آن شرکت نمایند. همچنین از شب قبل، تماس های تهدیدآمیز، احضار فعالان، و اعمال فشار بر خانواده های آنان بیشتر شد و در این روز نیروهای امنیتی در بسیاری از شهرها مستقیماً مانع شکل گیری تجمعات شدند و در مواردی نیز، چند نفر از معلمان بازداشت یا موقتاً مورد بازجویی قرار گرفتند.

طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به نقل از قانون صنفی فرهنگیان مازندران، از سه شنبه نهم اردیبهشت ماه تا ساعاتی مانده به زمان

تجمع، اعضای فعال کانون و اعضای هیئت مدیره و بازرسان کانون صنفی فرهنگیان مازندران طی تماسهای تلفنی متعددی از سوی حراست، اطلاعات و پلیس امنیت مورد تهدید قرار گرفته و احضار شدند. به همه آنها اخطار داده شد که حق شرکت در تجمع را ندارند.

حتی خانواده های آنها هم مورد تهدید قرار گرفتند. کانون صنفی فرهنگیان مازندران در این گزارش خبری مینویسد: "این کارهای از سر ترس و ذلت در حالی صورت گرفته که معلمان و بازنشستگان آموزش و پرورش سالهاست مطالباتشان بی پاسخ مانده و هر روز شرایط زندگی و شغلی شان سخت و سخت تر می شود و حاکمیت برنامه ای برای بهبود اوضاع گفته شده ندارد. بی شک جامعه فرهنگیان هیچ گاه از حق و حقوق قانونی خود و دانش آموزانش دست برنخواهد داشت و در این راه ثابت قدم تر از گذشته خواهد ماند.

بنا بر گزارش دیگری، در تهران نیز در صبح این روز علیرغم جو سنگین امنیتی جمعی از معلمان شاغل و و بازنشسته در مقابل اداره کل آموزش و پرورش تهران تجمع کردند. اما با یورش نیروهای امنیتی و بازداشت حداقل ۴ نفر به اسامی ولی مرزا سیدی، فراخی شانندیز، احمد حیدری و صادقی روبرو شد. جو سنگین امنیتی در اطراف اداره آموزش و پرورش تهران به گونه ای بود که اجازه هیچ گونه عکس برداری به تجمع کنندگان نمی داد و معلمان شاغل و بازنشسته ناگزیر به ترک محل شدند و نیروهای امنیتی نیز تا ساعت یک بعد از ظهر همچنان حضور داشتند.

در بوشهر نیز تعدادی از معلمان که قصد تجمع در مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان را داشتند با برخورد و تهدید نیروهای امنیتی مواجه شدند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در گزارشات این روز خود با محکومیت برخورد های امنیتی و انتظامی با تجمعات معلمان، بر پیگیری مطالبات معلمان شاغل و بازنشسته تاکید کرده است.

امروز روز جهانی کارگر جمعی از زنان در سقز به کارگاههایی که زنان کار میکنند سر زدند و با تقدیم گل و شیرینی و قرائت بیانیه ای روز جهانی کارگر را تبریک گفتند و به این ترتیب روز کارگر را آغاز کردند

بدینگونه در اول مه امسال معلمان، بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری به استقبال اول مه رفتند و این روز همبستگی طبقاتی کارگری را گرامی داشتند. بازداشت شدگان روز جهانی کارگر باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

فراخوان ها و بیانیه های اول مه امسال گوشه ای زیبا از جدال کارگران و کل جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود. گزارشات تکمیلی را متعاقباً به اطلاع خواهیم رساند

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱ مه ۲۰۲۵

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



از معدن تا بندر، محل قتل کارگر

کامل کرد و امر استعمار کارگران شکل پیچیده جهانی به خود گرفت. اگر به روایت ایشان "در مقابل، کاهش سوانح در جوامع پیشرفته نیز تصادفی نیست، بلکه محصول سرمایه‌گذاری بلندمدت در زیرساختها، مدیریت ریسک، شفافیت، پاسخگویی، و مشارکت جامعه مدنی است." این همه نیز نتیجه فراهم آوردن زیر ساختهای استعمار کارگران در بلند مدت است. و لازم بوده که ریسک به خطر افتادن یا وقفه ایجاد شدن در این امر به کمترین حد ممکن خود کاهش یابد.

جمهوری اسلامی سرمایه اما، حکومتی است که از دایره روابط جهانی سرمایه بیرون قرار گرفته است، در عین حالی که همه توصیه های بنگاههای بین المللی سرمایه داری را مو به مو، حتی شدیدتر به اجرا میگذارد؛ اما هیچ نفعی ندارد همان استانداردها را برای حفظ و گسترش سرمایه بکار ببندد، در صورتی که میتواند به ضرب شکنجه و اعدام و نیروهای امنیتی این امر را پیش ببرد. از سوی دیگر جمهوری اسلامی در دایره رقابتهای منطقه ای و جهانی خود همیشه از توده زحمت کش سپر انسانی برای خود ساخته است. در انفجار بیروت شاهد این امر بودیم. مردم غزه تاوان همین امر کثیف را پس میدهند و همین الان مردم ایران و مشخصا در جنایت اخیر مردم در بندرعباس.

زندگی در زیر سایه جمهوری اسلامی زندگی در سایه ریسک مداوم است. حتی بدنیا آمدن در جمهوری اسلامی ریسک بزرگی است که به همه اهالی ایران از پیش تحمیل شده است. در هر مکانی و در هر زمانی ممکن است یک اتفاق شومی برای شما ی نوعی بیفتد که نتیجه کارکرد روتین این حکومت است. آخرین مورد آن مرگ دهها نفر یا شاید هم صدها نفر در بندرعباس است که در روز ششم اردیبهشت به وقوع پیوست.

کارگر بودن در جمهوری اسلامی درجه این ریسک را افزایش میدهد. هر محل کاری، از اعماق معادن، تا بلندای ساختمانها تا هر کارگاه کوچکی، از ذوب فلزات تا ریسندگی در گوشه و کنار هر شهری؛ عملا شده قتلگاه کارگران. یک خبر ثابت همیشگی این سالهای اخیر، خبر کشته شدن فردی یا دسته جمعی کارگران است. و حکومت و عواملش، از رهبرش تا آن پادوی رسانه ای اش بعد از حادثه تمام همت شان بر این قرار میگیرد که این کشتارها را با بهانه مانند اینکه در همه جای جهان از این حوادث رخ میدهد، و صبور باید بود و جبران میشود، از سر خود باز کنند و نهایتا با گفتن اینکه "هزینه کفن و دفن و بیمه متوفیان را تا رسیدن به نتیجه دنبال می‌کنیم!" اینگونه بی شرمانه در قبال زندگی های از دست رفته و از هم پاشیده شده شانه بالا می اندازند.

در عین حال باید توجه داشت که اعتراضات به این کشتارها هم بوده. "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" شعاری است که انعکاسی از این اعتراض است که در تجمعات بازنشستگان فریاد زده شد. اما لازم است که این امر پیگیری شود که مرگ کارگر در حین کار، حادثه نیست، جنایت است. و کسانی که برای حفظ سود بیشتر همه امکانات لازم را برای پیگیری از این امر دریغ میکنند به عنوان متهم به قتل مورد پیگیری و محاکمه قرار گیرند. جان انسانها شریف است، جان انسانی که کار میکند و ثروت جامعه را افزایش میدهد شریفتر. باید یکبار دیگر تاکید شود که مرگ کارگر در محل کارگر نه یک حادثه، بلکه جرم جنایی است. قتل کارگر در محل کار و بخاطر کار کردن نیز باید به محل دادخواهی تبدیل شود.

از معدن تا بندر، دادخواهی قتل کارگر - یاشار سهندی

در پی انبار کردن، در واقع پنهان کردن مواد شیمیایی قابل انفجار از سوی جمهوری اسلامی، در میان هزاران کانتینر در بندر رجایی بندرعباس و انفجاری که در پی این عمل جنایتکارانه صورت گرفت، بیش از ۷۰ نفر به گزارش خود حکومت اسلامی کشته شدند. و در پی آن چند روز اهالی بندرعباس هوای آلوده ناشی از انفجار مواد شیمیایی را استنشاق کردند.

در اوج این فاجعه رئیس جمهور این حکومت در بیمارستان لودگی کرد و وزیرش از گل و بلبل بودن اوضاع در بند عباس میگفت. گزارشگران حکومتی نیز که در واقع شریک جرم جنایت هستند، با بی شرمی تمام انبار کردن پای مرغ و لوازم آرایشی در کانتینرها را سبب انفجار معرفی کردند. برای صدا و سیمای حکومت، اساسا در بندر عباس انفجاری رخ نداده بلکه "آتش سوزی گسترده" روی داده؛ که آنهم "به حول قوه الهی و همت مسئولان و نیروهای جان بر کف تحت کنترل بوده!؛ صدا و سیمای سرکوبگران منت سر ما مردم دارند" که پاکسازی منطقه، نه اینکه معلوم نیست داخل کانتینرها چه خبر است، ممکن است بیست روزی بیشتر طول بکشد! و طوری خبر را تنظیم و منتشر میکنند که گویا این گونه کارها مسئولیت آنها نیست بلکه ایشان دارند لطف میکنند. اینگونه با وقاحت و بی شرمی، که تنها در جمهوری اسلامی میتوان سراغ کرد، به مانند همیشه نمک روی زخم عمیقی که بر جان مردم کاشتنده می باشند.

در عین حال باید یادآور شد که این روشن روتین حکومت است که فورا اثر جنایت خود را پاک کند. برای همین حکومت به سرعت دست بکار شد که بقولاند که چیز مهمی اتفاق نیفتاده و همه برگشته اند سر کارشان! رادیو جمهوری اسلامی هم مدعی شد از همان فردای انفجار همه کارها به روال عادی برگشته است! اما به گزارش بی بی سی فارسی از قول شاهدان جنایت واقع شده در بندر عباس، شخصی به اسم کیوان تاکید کرده است به: "کارگران شرکت آنها از دو روز بعد از حادثه شروع به تمیز کردن محل کردند و به آنها گفته شد که خرابی‌ها را جمع کنند: «گفته شده هر جوری هست نشان دهید که همه چیز عادی است و به کار برگشته‌ایم." این گزارش در ادامه گوشه ای دیگر از جنایت واقع شده را از قول "کیوان" اینگونه روشن ساخته است: "کارگران بدون خانواده و مجرد بسیاری در منطقه کاری کردند که از روستاهای دورافتاده سیستان و بلوچستان آمده بودند. او می‌گوید: "کسی از این دسته از کارگران حرفی نمی‌زند."

در پی این حادثه مفسران و کارشناسانی بیرون از حکومت جمهوری اسلامی هم سعی کردند که دلایل وقوع این فاجعه را روشن سازند. اما نهایتا آنچه گفته شد چیزی بیشتر از توجیهات حکومت اسلامی نیست. "احمد علوی" نواندیش دینی اقتصاددان، به مانند هر اقتصاددانی که بیش از هر چیز نگران سود سرمایه است، در یادداشتی همه جنایت رخ داده در بندر عباس و اصولا همه حوادث از این دست در تمام چهار دهه گذشته در ایران را در ندیده گرفتن شدن "انگاره‌های مدیریت ریسک" میدانند و تاکید دارد: "این حادثه، مانند سایر سوانح اخیر در ایران (ریزش متروپل، آتش سوزی پلاسکو، واژگونی قطار مشهد-یزد، یا سرقت‌های کلان مالی)، نه یک رخداد تصادفی، بلکه نتیجه انباشت ناکارآمدی‌ها در مدیریت ریسک و بحران است. آنچه در سراسر یادداشت ایشان مشهود است بی توجهی محض به انسانهای زحمت کشی است که از طریق فروش نیروی کارشان قربانی مدام آنچه که علم اقتصاد بورژوازی "ناکارآمدی‌ها در مدیریت ریسک و بحران" میشوند، میخواند، .

عناوین دهن پرنکی مانند مدیریت ریسک، گوشه ای از استاندارد سازی تولید و توزیع در دنیای امروز سرمایه داری است. که هدف این استاندارد سازی تماما متوجه تامین سود سرمایه است. استاندارد سازی جهانی استعمار کارگران از سوی بورژوازی در چند دهه گذشته بدین خاطر شکل گرفت که سرمایه داری سیطره خود را بر جهان



تجمعات مشترک بر پا کرده و در مقاطعی تجمعات مشترکشان شکل سراسری داشته و چندین هزار نفره برگزار شده است. این اتفاقات مکان اعتراضات آنها را نشان می‌دهد.

سوسن صابری: اعتراضات بازنشستگان تابه‌حال به چه نتیجه‌ای رسیده است و اگر به خواسته‌هایشان تابه‌حال نرسیده‌اند چه دلیلی دارد؟

شهلا دانشفر: جمهوری اسلامی نه می‌خواهد و نه توانش را دارد که به مطالبات بازنشستگان و مردم معترض پاسخ گوید. پاسخ حکومت به مردم چپاول و سرکوب است. بازنشستگان نیز ایستاده‌اند. بازنشستگان با مبارزاتشان جلوی تعرضات بیشتر را گرفته‌اند، بعضاً توانسته‌اند بخش‌های کوچکی از طلب‌هایشان را نقد کنند. در صف جلوی مبارزه بر سر معیشت و علیه سرکوب و اعدام بوده‌اند و مبارزاتشان نقش مهمی در بهبود توازن قوا برای تداوم مبارزات خود و جامعه داشته است. جنبش معیشت عرصه مهمی از رویارویی مردم با حکومت است که در شعار زن زندگی آزادی، بازتاب یافت. به عبارت روشن‌تر اعتراضات بازنشستگان امروز به طور واقعی بخشی از اعتراضات کل جامعه برای هموارکردن مسیر پیشروی انقلاب و به پیروزی رساندن آن است.

بازنشستگان باتوجه‌به دستاوردهایی که کسب کرده‌اند و جایگاه مبارزاتی‌شان، قدرتمندتر می‌توانند عمل کنند. اگر در کرمانشاه تجمع هفتگی مشترک بازنشستگان ممکن شده، می‌شود همین الگو را همه‌جا تکثیر کرد. می‌شود گروه‌های مختلف بازنشستگان همگی به‌صورت یک شبکه مبارزاتی سراسری نیروی بیشتری بسیج کنند و این کمبودی جدی است که باید برای رفع آن دست بکار شد. ضعفی که در مبارزات بخش‌های مختلف کارگری در سطح جامعه وجود دارد و اتحاد اکتیویست‌ها و رهبران کارگری - اجتماعی فاکتور مهمی در رفع این کمبود است. نشریه ژورنال شماره ۱۰۳۱

نگاهی به مبارزات بازنشستگان - گفتگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: بازنشستگان یک بخش مهم جنبش بر سر معیشت و رفاه هستند. خواسته‌های اعتراضی آنها چیست و مبارزاتشان چه جایگاهی دارد؟

شهلا دانشفر: امروز جنبشی گسترده بر سر معیشت و رفاه در سطح جامعه جاری است. بازنشستگان در صف مقدم آن قرار دارند و روزهای مختلف هفته را به تجمعات اعتراضاتی خود اختصاص داده‌اند. بازنشستگان تأمین اجتماعی، کشوری، معلمان، مخابرات، نفت، بهداشت و درمان صف بزرگ بازنشستگان را تشکیل می‌دهند. همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای نرخ سبد معیشتی شصت، هفتاد میلیونی، درمان و تحصیل رایگان، حق داشتن مسکن و پایان‌دادن به چپاول صندوق‌های بازنشستگی و سرکوبگری‌ها، خواسته‌های مشترک و فوری جمعیت ۲۵ میلیونی بازنشستگان هستند که مضمون اتحاد مبارزاتی‌شان است. علاوه بر بخشی از آنان خواسته‌هایی فوری همچون پرداخت معوقات مزدی و اجرای مصوبات اجرا نشده‌ای که می‌توانند بهبودی ایجاد کنند را دارند.

اعتراضات بازنشستگان محدود به خواسته‌های معیشتی خود نیست. بلکه به‌عنوان شهروند جامعه به کل بساط سرمایه‌داری وحشی حاکم معترض‌اند و صدای رسای اعتراض کل جامعه هستند. یکی از فراخوان‌دهندگان گرامیداشت روز جهانی کارگر امسال بازنشستگان بودند و در برابر فاجعه مرگبار انفجار بندر رجایی فریاد "از معدن تا بندر محل قتل کارگر" از تجمعات بازنشستگان بلند شد که به شعارنویسی‌هایی خیابانی و شعار اول مه تبدیل شد.

بازنشستگان یک نیروی مهم انقلاب زن زندگی آزادی بوده و با فریاد "روسی را رها کن، فکری به حال ما کن"، در دفاع از خاکریز فتح شده حجاب، سدی در برابر تعرضات حکومت به زنان هستند. علیه اعدام و زندان ایستاده و به نجات جان شریفه‌ها و محکومین به اعدام برخاسته‌اند. با فریاد "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گین آمریکاست" علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت قد علم کرده و شعار "معترض زندانی آزاد باید گردد" را به خیابان کشانده‌اند.

اعتراضات بازنشستگان تأثیر مهمی در داغ نگاه‌داشتن فضای اعتراض در جامعه و جلو آوردن گفتمان‌های رادیکال و انسانی دارد. یک دستاورد بزرگشان سازمان‌یافتگی اعتراضاتشان است و امروز با شکل‌هایشان فراخوان اعتراض می‌دهند. در کرمانشاه



سپس دو تن از زندانیان به تشریح بحرانهای اقتصادی ایران پرداختند. موضوعات مطرح شده شامل تورم افسارگریخته، فساد سیستماتیک، وضعیت معیشتی نامناسب کارگران، بیثباتی اقتصادی، استعمار نیروی کار، و فقر گسترده بود.

ناهید خداجو، فعال کارگری و زندانی سیاسی دهه ۶۰ نیز که محکومیت خود را در زندان اوین به دلیل حضور در بزرگداشت ۹۸ سپری می‌کند، گاه شماری مفصل از اعتصابات کارگری از سال ۱۳۵۵ منتهی به انقلاب ۱۳۵۷ و نیز فراز و

گزارش مراسم روز جهانی کارگر (۱ می) در زندان زنان اوین

زندان زنان اوین در سال جاری، مراسم روز جهانی کارگر را با برنامه‌ای شامل سخنرانی‌ها، فعالیتهای فرهنگی، و ارائه و گفت و گو برگزار کرد. این مراسم که با هدف بزرگداشت تاریخ مبارزات کارگران در جهان و بررسی چالشهای اقتصادی-اجتماعی ایران و جهان ترتیب داده شد، در دو بخش اصلی اجرا گردید.

مراسم با اجرای گروه سرود آغاز شد و گروه سرود ترانه انگلیسی «نان و گل‌های سرخ (Bread and Roses)» را همخوانی و اجرا کردند. این ترانه که در سال ۱۹۱۱ توسط جیمز اوپنهام سروده شد، به نمادی جهانی از مبارزات کارگران برای دستمزد عادلانه (نان) و زندگی شرافتمندانه (گل‌های سرخ) و صلح تبدیل شده است.

نسرین خضری، فعال کارگری که در سال ۱۳۹۸ به اتهام حضور در مراسم روز کارگر به ۵ سال حبس محکوم شده، در ادامه تاریخچه‌ی روز ۱ می و علت نامگذاری آن به عنوان روز جهانی کارگر را تشریح کرد. او در انتها بر اتحاد کارگران به عنوان اتحادی جهانی تا رفع هرگونه استعمار، ستم و تبعیض تأکید کرد. نسرین جوادی نزدیک به سه سال است که بدون حتی یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برد.

اول ماه مه؛ روز سرافرازی مجدد کارگران و مزدبگیران کارگر کارگاهی - حمید دائمی

بزرگ، حکومت قادر به جلوگیری از برگزاری تجمعات روز جهانی کارگر نشد. و با آنکه فشار امنیتی و پلیسی، در نقاطی منجر به ممانعت از برگزاری مراسم گردید، اما نکته برجسته مراسم روز جهانی کارگر امسال، سخت کوشی کارگران و بویژه معلمان را در برپایی مراسم خویش در مقابله با جبهه دشمن و سرکوبگریهایش نشان داد. دست آورد این اقدام جسورانه معلمان و کارگران برای جامعه به پاخواسته ایران این است؛ که رژیم در سرایشی تند سقوط قرار گرفته و حتی شیرازه نیروی سرکوبش را هم؛ مانند دیگر بخش های حاکمیت از دست داده و قادر به مقابله با این موج سهمگین و بنیان کن مردمی که زندگی ای انسانی را فریاد میزند، ندارد.

اقدام کارگران و معلمان در بسیاری از شهرها بویژه در جایی چون کرمانشاه که در آن معلمان و بخش های مختلف بازنشستگان تجمع داشتند و فریاد دادخواهی و همبستگی با مردم بندرعباس سر دادند، فضای اعتراضی در شهرها را تقویت کرد. روز جهانی امسال، برگ درخشانی از عزم طبقه مزدبگیر را در مقابل چشمان همگان رقم زد.

یکی دیگر از نقاط قوت ۱ می امسال، همسویی و همصدایی جامعه با صدور بیانیه ها و فراخوان ها به برگزاری مراسم اول ماه مه و روز معلم، با شعارهای پایه ای انقلاب زن زندگی آزادی بود. تشکل ها و گروه های مختلف کارگری، معلمان و بازنشستگان، با تأکید مجدد بر مطالبات منشورهای انقلاب؛ شعارهای پایه ای، "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" و "کارگر و بازنشسته، اتحاد، اتحاد" و "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" همگان را به حضور در خیابان دعوت کرده و با شعار "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر" اعتصابات سراسری راه حل؛ "جامعه مزدبگیران و زحمتکشان را به مصاف رو در رو و نبرد نهایی فراخوان دادند.

اول ماه مه امسال فرصت دوباره ای برای جمع بندی از توان طبقه کارگر و همه مزدبگیران را به دست داد. با آنکه سه نفر از بازداشت شدگان در تهران و تعدادی دیگر در شهرستان ها زندانی شدند؛ اما با نگاه به صف نیروی سرکوب رژیم بدرستی می توان به قدرت طبقه انقلابی پی برد. حاکمیت جنایتکاران برای خاموش کردن صدای اعتراض و مطالبات جامعه تلاش بسیار کرد، اما به چشم جامعه انقلابی، این کارگران و معلمان بودند که پیروز این میدان شدند. روز جهانی کارگر اثبات کرد که زمان اتحاد و همگامی جامعه برای آغاز اعتراضات و اعتصابات عمومی و سراسری دور نیست و بزودی زود، این موج سرکش؛ بساط ظلم و ستم و جنایات را، از بنیان خواهد کند و در مقابل دنیایی عاری از تبعیض و نابرابری و مملو از رفاه و خوشبختی برای همگان به ارمان خواهد داشت.

زنده باد اول ماه می، روز همبستگی جهانی کارگران و مزدبگیران

زنده باد اتحاد کارگران و معلمان و دیگر زحمتکشان

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

با شروع اردیبهشت ماه، زمانی که کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر اقشار مردم، در تب و تاب برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، برای صف بندی و عرض اندام دوباره در مقابل رژیم هار دزدان اسلامی آماده می شدند؛ جامعه با انفجارسفبار بندر رجایی مواجه شد و زحمتکشان، یکپارچه در غم و سوگ جانباختگان و بازمانده های این فاجعه جبران ناپذیر فرو رفتند. شوک عظیمی که رفته رفته به فریاد خشم و اعتراض تغییر جهت داد و مردم، بدون ذره ای تردید، رژیم جنایتکاران اسلامی را مسئول و عامل این فاجعه دانسته و این فاجعه را عمدی و در ادامه سیاست های جنگ افروزان و تقلا برای دست یافتن به سلاح های کشتار جمعی بیشتر اعلام کردند. اما جانیان حاکم، مانند موارد گذشته، در تکاپوی خاموش نگاه داشتن جامعه، از طریق سانسور اخبار، بویژه در مورد عمق فاجعه و پنهان نگه داشتن تعداد جانباختگان، مصدومان و معلولان حادثه، و همچنین قطع دسترسی مردم دیگر نقاط به منطقه حادثه دیده با اشغال نظامی آن؛ با ترفند همیشگی دادن وعده های دروغین به بازماندگان و مردم حادثه دیده، سعی در خاموش کردن مردم و از سر گذراندن این بحران داشت.

این اتفاقات در آستانه روز جهانی کارگر و با بلند شدن موج همبستگی ها با مردم در بندر عباس، موجب وحشت و سراسیمگی حکومت از شعله ور شدن آتش خشم و اعتراض در نقاط دیگر کشور شد. از همین رو شروع به شاخ و شانه کشیدن بوسیله دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی اش کرد. اما با وجود همه تهدیدات و حتی دستگیری تعدادی قبل از برگزاری مراسم، فعالان کارگری و معلمان و بازنشستگان، با فراخوان های گسترده و با حمایت از فراخوان های یکدیگر؛ شجاعانه به میدان آمده و مشت کوبنده ای به دهان همه حاکمان و مفتخوران دم و دستگاه سرکوب زدند.

شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان ایران، با فراخوان به میدان آمدن سراسری در یازده اردیبهشت که مصادف با روز جهانی کارگر بود پاسخ محکمی به حکومت داد. و اگر چه یک کمبود فراخوانش اسم نبردن از روز جهانی کارگر بود. اما معلمان از شهرهای مختلفی چون رشت، تهران و کرمانشاه در پاسخ مثبت به فراخوان و تجمعات سراسری در یازدهم اردیبهشت بر گرامیداشت روز جهانی کارگر تأکید کردند و روز دوازده اردیبهشت نیز که روز معلم است را گرامی داشتند. بازنشستگان نیز اعلام کردند که در تجمعات معلمان شرکت خواهند کرد. بدین ترتیب با وجود همه تهدیدها، بگیر و ببندها و امنیتی کردن فضای شهرهای کوچک و

از صفحه ۴

گزارش مراسم روز جهانی کارگر ...

فرودهای دهه های بعدی آن ارائه داد.

بعد از آن همراه با استراحت اسنادی برای مطالعه که بر دیوار نصب شده معرفی شد.

سپس زندانیان با رقص کردی و شادی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در انتها، انیسا اسداللهی معلم و مترجم به مفهوم بی ثباتی، معنا و پیامدهای بی ثباتی در کار و زندگی پرداخت. علاوه بر بی ثباتی همیشگی در جهان سرمایه داری، در الگوهای نتولیرالی و پسانتولیرالی این مفهوم دچار خصلت مضاعف و مفهوم کار دچار بحران شدت و نیروی کار از درون منشق و منزوی شده است. از این رو نیازمند نگاهی نقادانه بر مفهوم کار در راستای اتحاد همه جانبه زحمتکشان هستیم. -#اول_ماه_می (برگرفته از مدیای اجتماعی)

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

تولست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یابست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL

کانال جدید



اتحاد ما پاسخ ما به حکومت فاجعه آفرین جمهوری اسلامی است - حمید دائمی، کارگر کارگاهی

در آستانه ۱ می، درست زمانی که در حال تدارک برگزاری مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر هستیم؛ با فاجعه ای مواجه شدیم که اکثریت ۹۹ درصدی جامعه را در سوگ قربانی شدن همقطاران مان در بندرعباس فرو برد. جانبختن تعداد زیادی از زحمتکشان این بندرگاه و به ماتم کشاندن هزاران خانواده، به واسطه کشته و زخمی شدن نان آواران شان، جنایت آشکار رژیم است که بقای خویش را به هر قیمتی؛ حتی به قیمت قربانی کردن هزاران انسان بی گناه مقدم می شمارد. در دل این فاجعه جبران ناپذیر و با بجا ماندن جانبختگان و آسیب دیدگان جسمی و روحی فراوان؛ عده ی بیشمار دیگری هم از همقطاران ما کارگران و مزدبگیران، بستر کار و شغل و هستی خود را از دست دادند. این همه جنایت از سیاست ها و تدابیری حاصل شده که رژیم جنایتکاران جنگ افروز، همه جامعه را درگیر امیال تروریستی خود کرده و ادوات و جنگ افزارهای خود را آزادانه در مسیر زندگی ما کارگران قرار داده اند و از عواقب فاجعه آمیز آن ابایی ندارند.

کشتار کارگران بندر رجایی، بی شباهت به دیگر قربانگاه های کار در ایران نیست. با اندک تفاوت در نوع ابزار و آلات قتل هاست. به معادنی شبیه است که کارگران در آن مدفون می شوند. به ساختمان هایی که بدلیل عدم رعایت ایمنی، که عمدتا با هزینه های اندک میسر است، کارگران همچون برگ های پاییزی به دامن مرگ سقوط می کنند. به کارگاه ها و پالایشگاه هایی که سالانه بدلیل آلودگی های مختلف جان همقطاران ما را می گیرد.

قتلگاه بندرعباس، نشانه آشکار ضدیت نظام با کارگران و مزدبگیران است و مردم است. تاکیدی بر ماهیت کثیف رژیمی که برای بقا خود از ادامه سیاست های تروریستی دست بر نخواهد داشت و تمام نیرویش را برای هرچه بیشتر مسلح کردن خود در مقابل جامعه به پاخاسته است.

فاجعه بندر رجایی، دم خروس رژیم جنایتکاری است که از هر فرصتی برای تسلیح بیشتر خود استفاده می کند. این اتفاق درست زمانی افتاده است که با زست مصالحه گر، تسلیم مذاکراتی شده که برای محدودیت و خلع ید نظامی از سوی سرمایه بزرگ و قطب مقابل تروریستی طراحی شده است. اما تدارک تولید تسلیحات بیشتر را، آنهم به شکلی بسیار خطرناک، شبیه مین، بر سر راه مردم بی دفاع، تا دم مرگ رها نمی کند. این رفتارهای رذیلانه و از سر دستپاچگی برای پنهان داشتن تدارکات تولید سلاح های بیشتر، از چشم تروریست های غربی، نشانه آشکاری از تقلاها و حربه آخر این جماعت جنایتکار است. این دقیقا همان دلیلی است که کارگران و زحمتکشان در ایران، کمترین توهمی نسبت به اقدامات و سیاست خارجی آنان نداشته و کلیت نظام را جنگ افروز و جنگ طلب قلمداد کرده و خواست مبرم تری از سرنگونی کامل آن ندارند.

همه این حوادث در مقابل چشمان تیز بین جامعه جهانی اتفاق می افتد. هم دادن فرصت و فرجه به تروریستهای حاکم بر ایران که توسط دولتهای غربی انجام می شود؛ که برای این جانیان به منزله "مانده آسمانی" است؛ به جای تحریم های سیاسی و دیپلماتیک و اخراج و بستن تمام سفارتخانه ها و مراکز تروریستی جاسوسی آنان از سرتاسر جهان است. هم تلاش های بیشتر برای تولید سلاح های کشتار جمعی و

بازتولید قوای نظامی برای نا امنی منطقه و جهان در کنار فجایعی که هر روز بر زندگی میلیون ها انسان اسیر در چنگال کثیف این دزدان تحمیل می شود.

در اول ماه مه امسال همبستگی با مردم بندرعباس پاسخ محکم کارگران و مردم به حکومت جنایتکار بود. و امروز خواست کارگران و زحمتکشان از همقطاران خود در سرتاسر جهان و نیز از احزاب و سازمان های کمونیست و انقلابی، افشای این سیاست ها و فشار بر دولتهای مصالحه کار و منفعت طلب حاکم بر کشورهای خود، برای همراهی و کمک به بایکوت همه جانبه رژیم آدمکشان اسلامی و سرنگونی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است که آرمان های همه انسان های تحت ستم را نمایندگی می کند.

دشمنی که در مقابل ما کارگران است؛ رژیم درمانده و به تمام معنا فلج و سر درگمی است که با وجود دارا بودن تسلیحات و تجهیزات مختلف سرکوب؛ قادر به سر پا شدن و انسجام و سازماندهی خویش نیست و دچار چنان فروپاشی از درون و بیرون است که یارای مقابله با موج عظیم توده های خشمگین و مصمم برای سرنگونی را ندارد.

از سوی دیگر، با وجود همه مصائب و مشکلاتی که دامن گیر زندگی ما کارگران و مزدبگیران است؛ علی رغم فقر و فلاکت و گرانی و تورم و همه تنگناها و بن بست ها و صدها عارضه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در زندگی ما، نقطه قوت ما در هم سویی و هم شکلی خواسته ها و مطالبات ماست. خواست رفاه و معیشت انسانی و آزادی و برابری و رفع هرگونه تبعیض، تار و پود اتحادی طبقاتی است و این خواست و آرزوی جامعه ۹۹ درصدی است که ما را به هم پیوند داده است. جامعه کارگری و مزدبگیر و همه ستمدیدگان ایران، با انباشت همه این خواست ها و آرزوها و با آگاهی مشترک از اینکه، رژیم جنایتکار را عامل همه این تبعیض ها و نابرابری ها و همه این مصائب و کشتار و قتل ها؛ میدانند. حکومتی که به خاطر منافع و بقاء خود حاضر به قربانی کردن همه جامعه است. این آگاهی مشترک ما را به نقطه مشترکی بنام اتحاد برای سرنگونی و به پیروزی رساندن انقلاب مان می رساند.

با همه تلخی و دشواری این فاجعه جبران ناپذیر و با وجود عمق سوگ و اندوه کودکان، زنان و خانواده های داغدار جانبختگان بندر رجایی، جا دارد خشم و نفرت خود را در روند مبارزه ای به کار بندیم که نخستین هدف آن سرنگونی عاملان و آمران این فاجعه و همه جنایاتی است که طی ۴۶ سال حکومت کشتار و غارت دزدان سرمایه اسلامی به ما کارگران و مزدبگیران تحمیل شده است.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی
کارگر کارگاهی - حمید دائمی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



گزارش تکمیلی از تحرکات در روز جهانی کارگر در

شهرهای مختلف

از معدن تا بندر محل قتل کارگر

همانطور که در اطلاعیه قبلی گزارش کردیم امروز یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر در پاسخ به فراخوانهایی که از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و بازنشستگان داده شده بود تجمعاتی در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار شد. این تجمعات در این روز در شهرهای کرمانشاه، شیراز، ممسنی و نورآباد، قزوین، هرسین، اسلام آباد غرب و اراک، برگزار شدند. در سقز و سنندج نیز در این روز جمعی از زنان در سقز و سنندج به کارگاههایی که زنان کار میکنند سر زدند و با تقدیم گل و شیرینی و قرائت بیانیه‌ای روز جهانی کارگر را تبریک گفتند و به این ترتیب اول ماه مه را گرامی داشتند.

این در حالی است که در شهرهایی چون همدان، تهران، بوشهر، گیلان و مازندران نیروهای سرکوب حکومت مانع برگزاری این تجمع شدند. در جریان تعرضات حکومت این تجمعات بازتابی از اعتراضات کل جامعه علیه فقر، تبعیض، نابرابری، سرکوب و زندان و اختلاسگری‌های حاکم و اتحادی اجتماعی در ادامه جدال جانانه جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود. در جریان تعرضات نیروی انتظامی چهار نفر از معلمان معترض در تهران به اسامی ولی مرزا سیدی، فراخی شاندیز، احمد حیدری و صادقی و در همدان پیش از آغاز تجمع رضا مسلمی بازداشت شدند. بازداشت شدگان اول ماه مه باید فوری و بدون قید و شرط آزادی شدند.

در این تجمعات همچنین روز معلم و خواستهای معلمان و همبستگی برای پیگیری آنها صحبت شد و جمعیت با شعار و کف زدن همراهی میکرد. به علاوه سخنرانان بر آزادی کارگران زندانی و معترضین در بند تاکید کردند و آزادی فوری آنها را خواستار شدند.

اول ماه مه همبستگی طبقاتی کارگری است و یک نقطه برجسته تجمعات اعتراضی روز جهانی کارگر امسال اعلام حمایت و همبستگی با مردم بندر عباس با فریاد از معدن تا بندر محل قتل کارگر بود. در این روز کاروان کامیونداران در

کرمانشاه شکل زیبایی از همبستگی با مردم بندر عباس بود. در روزهای قبل نیز کامیونداران در شهرهای شیراز، مریوان، دیزپچه و مشهد مارش همبستگی داشتند.

امروز همچنین زندانیان سیاسی در بند ۸ زندان اوین با تجمع در هواخوری این بند و با شعر خوانی و پخش شیرینی و سخنرانی‌های کوتاه اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. در این گرامیداشت جمع قابل توجهی از زندانیان عادی هم شرکت داشتند.

بعلاوه گزارشات دریافتی از پخش وسیع تراکتهایی به مناسبت روز جهانی کارگر و شعارنویسی‌ها بر در و دیوار در کرمانشاه و تهران و دزفول و بسیاری از شهرهای دیگر حکایت میکند. یک حرکت اعتراضی دیگر امروز یازدهم اردیبهشت تجمع نانوایان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود در مقابل استانداری گیلان بود. در این حرکت اعتراضی یکی از نانوایان فریاد زد و گفت: "لعنت خدا به مسئولین بی‌وجدان! این چه وضعی است؟ چرا ما باید قربانی بی‌کفایتی شما باشیم؟" و آخرین خبر اینکه در این روز مالباختگان متقاضیان مسکن ملی در قزوین همراه با خانواده‌ها در اعتراض به تاخیر یکساله پیمانکار در تحویل مسکن خود برای "حق مسکن" دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

فراخوان‌ها و بیانیه‌های اول ماه امسال نمادی از جدال کارگران و کل جامعه برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی بود. زنده باد اول ماه روز جهانی کارگر حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۱ مه ۲۰۲۵

فاجعه، از جمله همکاران راننده، بعنوان بخشی از جنبش کارگران حمل و نقل قاطعانه خواهان برخورداری کلیه رانندگان از بیمه‌ای کامل خودرو و پوشش بیمه‌ای تأمین اجتماعی است. همچنین، ما بر لزوم پرداخت کامل حقوق و مزایای ایام بیماری و بلا تکلیفی به کلیه کارگران از سوی کارفرمایان و شرکت‌های بیمه تأکید می‌کنیم.

اعتراضات رانندگان و رژه کامیون‌ها در شهرهای مختلف کشور، نماد روشنی از همبستگی طبقاتی و نیز اعتراض به فاجعه سازی و سهل انگاری‌های مرگبار مسئولان است. این حرکت‌ها نه تنها ابراز همدلی با هم‌قطاران داغ‌دیده، بلکه فریادی علیه فاجعه‌ای است که می‌توانست با حداقل تدبیر قابل پیشگیری باشد.

این فاجعه بار دیگر نشان داد که فقدان تشکلهای مستقل، سراسری و نیرومند کارگری، و نبود نظام بیمه‌ای فراگیر و عادلانه، کارگران از جمله رانندگان را در لحظات بحرانی کاملاً بی‌پناه و آسیب‌پذیر می‌سازد. بر همین اساس، ما خواهان آن هستیم که نهادهای مسئول فوراً پاسخگوی این فاجعه شوند، خسارات وارده را جبران کرده، و برای تأمین امنیت شغلی، جانی و بیمه‌ای کلیه کارگران از جمله رانندگان کامیون اقدامات فوری و عملی انجام دهند. چاره کارگران وحدت و تشکیلات است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

فاجعه‌ی مرگبار بندر رجایی؛ تداوم بی‌مسئولیتی و

پاسخ‌ندادن نهادها

فاجعه دلخراش انفجار در بندر شهید رجایی تاکنون منجر به جان باختن نزدیک به ۱۰۰ نفر، مفقود شدن ده‌ها تن، و مجروح شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر شده است. گزارش‌ها تأکید می‌کنند که دست‌کم ۹۰ درصد قربانیان این فاجعه از میان کارگران بوده‌اند. در مواردی حتی امکان شناسایی یا یافتن اجساد برخی قربانیان وجود ندارد. این انفجار مهیب، خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری به رانندگان و کامیون‌داران وارد کرده است. شمار زیادی از رانندگان در جریان این حادثه مصدوم، مفقود یا جان‌باخته‌اند. ده‌ها کامیون نیز در اثر موج انفجار یا آتش‌سوزی از بین رفته یا آسیب جدی دیده‌اند. بسیاری از این رانندگان، به دلیل نداشتن بیمه تأمین اجتماعی و عدم پوشش بیمه‌ای کامل برای وسایل نقلیه‌شان، اکنون در شرایطی بحرانی و بی‌پناه قرار دارند. شرکت‌های بیمه نیز از پرداخت خسارات کامل سر باز زده‌اند.

با گذشت بیش از یک هفته از این فاجعه، هیچ نهاد رسمی پاسخگوی وضعیت رانندگان و خسارات وارده به آنان نبوده است. این فاجعه‌سازی و همزمان بی‌تفاوتی و سکوت مسئولان، موجب نگرانی و خشم عمیق رانندگان و خانواده‌هایشان شده است. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز همدردی دوباره با تمام قربانیان این

تحمیل فقر بر مردم، ساخت مقبره برای حسن نصرالله

مهران محبی



رژیمشان شناسنامه و مشخصه آن شده است، نمی توانند به حیات سیاسی و حکومتی خود ادامه دهند. می دانند که دیگر نمی توانند نیروهای اعتقادی و ایدئولوژیک خود را همچنان با خود همراه کنند و از اینرو توان مقابله با مردم که دشمن اصلی جمهوری اسلامی هستند را بیشتر از دست خواهند داد. برای جمهوری اسلامی ضروری و

در عین حال عبث است که نمادهای ارتجاع و تحجر خود مانند خمینی و حسن نصرالله را با گراف ترین هزینه ها در ایران و لبنان و هر جایی دیگر که میسر باشد، با زرق و برق بنا کنند. اما برایش ضرورت دارد، چون علی رغم عقب نشینی ها و زانو زدن هایش در برابر ترامپ باید وانمود کند که همچنان همان جمهوری اسلامی مدعی رهبری اسلام سیاسی در دنیا و الگوی مدیریت جهانی بر مبنای آموزه های قرآنی و اسلامی است تا به این طریق بتواند انسجام به هم خورده درونی اش را ترمیم کند. اما عبث است، چون بیش از حد شیرازه اش از هم پاشیده شده و هر روز حلقه فشارها بر پیکرش تنگ تر می شود و همین اوضاع باعث تضعیف و درماندگی عمیق ترش می شود.

حکومتی که ده ها سال در بهترین شرایط اقتصادی، ایدئولوژیکی و حاکمیتی نوع خود همه توان مالی حاصل از غارت و چپاول دسترنج کارگران و مردم زحمتکش و ثروت های عمومی را صرف گسترش و تقویت اسلام سیاسی از طریق ایجاد جبهه موسوم به "مقاومت" شامل تروریست های لبنانی، فلسطینی، یمنی، عراقی و دولت بشار اسد و فاطمیون و زینیون و هر گروه تروریستی و تبهکار دیگر بکارگرفته، امروز شاهد از دست رفتن سرمایه گذاری هایش است، و اکنون که در بدترین موقعیت از هر نظر گرفتار شده، به هیچ وجه نمی تواند به موقعیت قبلتر خود برگردد. دیگر نه در عرصه داخلی که به رابطه اش با مردم مربوط می شود، زمانی از نظر ادامه حیات برایش باقیمانده و نه در عرصه منطقه ای و بین المللی مانند گذشته دریچه و روزنه ای در مقابلش باز گذاشته شده است.

با اینحال جمهوری اسلامی حتی اگر یک روز به عمرش باقی مانده باشد، دست از هیچیک از اقداماتی که از ابتدای به قدرت رسیدنش برای ادامه بقاء خود در داخل و در منطقه با صرف هزینه های سرسام آور هزاران میلیارد دلاری در ازای به فقر و گرسنگی کشاندن اکثریت مردم انجام داده، بر نمی دارد.

اینجا دیگر جامعه است که برای نجات خود از شر و نکبت جمهوری اسلامی باید زودتر و این بار قدرتمندتر و منسجم تر و همزمان در خیابان و کارخانه، در مدرسه و دانشگاه و غیره برای به سرانجام رساندن انقلاب خود، انقلاب "زن، زندگی، آزادی" خیز بردارد. نباید به رژیم اجازه دهیم که دسترنج و ثروت متعلق به عموم مردم را چپاول و همزمان هم به جیب بزنند و هم صرف بازسازی تروریسم منطقه ای و برپا ساختن نمادهای تحجر و آدمکشی شان کنند.

با سرنگون کردن جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام انسانی و سوسیالیستی که اداره آن از طریق شوراهای مردمی باشد، می توانیم با همین پول ها و سرمایه هایی که امروز حکومت صرف برنامه ها، پروژه ها و اقدامات تروریستی و تروریست پروری می کند، دنیایی سرشار از رفاه و خوشبختی برای همه مردم بسازیم.

طبق گزارشی که "شبکه الجدید" لبنان در روز جمعه گذشته انتشار داده، قرار است برای حسن نصرالله رهبر کشته شده حزب الله لبنان مقبره ای به هزینه ده ها میلیون دلار ساخته شود و این پولها توسط جمهوری اسلامی از طریق قاچاق به دست حزب الله لبنان رسیده اند. بر اساس این گزارش زمینی به ارزش ۵۰ میلیون دلار برای اختصاص به این کار به طور غیر قانونی خریداری شده و از طریق شهرداری "برج البراجنه" که تحت نفوذ حزب الله می باشد، مجوزش گرفته شده است. برای ساخت این مقبره نیز آن طور که برآورد شده، حدود ۵۰ میلیون دلار هزینه میشود.

این هم نمونه ای دیگر از جنایات جمهوری اسلامی که در مدت ۴۶ سال از حاکمیت ننگین اش مکررا و می شود گفت هر روزه تکرار می شود. در حالیکه این روزها مردم در داخل گرفتار مشکلات عدیده تری نسبت به گذشته هستند. این رژیم جنایتکار فقط با گلوله و ناام کردن مکانهای کار و زندگی، قتل و کشتار و جنایت نمی کند، بلکه با تحمیل فقر و بیکاری و گرانی و از این طریق خارج کردن نیازمندی های زندگی مانند غذا، پوشاک، مسکن، دارو و بهداشت و غیره، تباهی و مرگ را بر جامعه حاکم کرده است. و این روش معمول دیگر حکومت است که مردم را با مرگ و نیستی دست به گریبان کرده است. پول ها و هزینه هایی که باید صرف برچیدن چنین نکبت و فلاکتی از زندگی اکثریت مردم کارگر و زحمتکش شود، دهها سال است که صرف گروه های تروریستی وابسته به حکومت می شوند تا در منطقه و در هر نقطه ای از جهان که نیاز داشته باشند، کشتار و قتل و ترور کنند.

رژیم جنایتکار اسلامی که چنین پول های کلانی را صرف ساختن مقبره و بارگاه برای یکی از جنایتکاران مرتجع خود در منطقه تحت نفوذ بقایای گروه حزب الله در لبنان، آن هم از طریق قاچاق خرج می کند، اما همین حالا طبق آمار رسمی دولتی بیش از ۳۰ درصد مردم در ایران زیر خط فقر و حاشیه نشین بسر میبرند. آنگاه بی شرمانه ۱۰۰ میلیون دلار را برای بنا کردن نمادی از قتل و جنایت و آدمکشی و تحجر و عقب ماندگی اسلامی برای حزب الله می فرستد. از جمله طی شش ماه گذشته گرانی به حدی رسیده که بسیاری از بیماران به خاطر ناتوانی اقتصادی در تأمین داروهای مورد نیاز و از این جهت که احساس میکنند باعث فشار آوردن بر خانواده هستند، از پزشکان معالجات درخواست کشتن خود را کرده اند. حکومت جنایتکار اسلامی ارسال چنین پولی برای آدمکشان حزب الله را قدرت نمائی منطقه ای خود می داند. اما در ایران هر روز بر تعداد زباله گردها، کودکان کار، خودکشی و بزهکاری، قتل و جنایت و ناامنی ناشی از فقر و گرسنگی اضافه می گردد. آب و برق و گاز مکررا و هر بار برای ساعت ها قطع می شود و زندگی و کسب و کار مردم مختل شده است و پاسخ سران رژیم به مردم همواره "نداریم و پول نیست" بوده است.

تنها دلیل سران حکومت از صرف چنین هزینه هایی برای بازسازی تروریسم اسلامی در شرایطی که مردم جامعه در سخت ترین وضعیت معیشتی گرفتار شده اند، حفظ بقاء به هر قیمتی است. حکومت پس از ضربات سهمگینی که اسرائیل به نیروهای نیابتی اش در لبنان و غزه وارد آورد و از نظر توان نظامی و اقدام به عملیات های تروریستی ناکارآمد شد، بشار اسد سرنگون شد و حشدالشعبی و دیگر تروریستها در عراق عملا زیر فشار آمریکا از طریق دولت عراق زمین گیر شده اند، همچنان نمی خواهد دست از تقلابهای مذبوهانه و اجرای طرحهایش برای بازسازی و ترمیم و تقویت مزدوران منطقه ای خود بردارد. سران این رژیم می دانند بدون ادامه سیاست ها و اقدامات ضد انسانی و بحران آفرینی های منطقه ای و از این طریق حفظ هویت ضد آمریکائی و دشمنی با اسرائیل که از ابتدای به قدرت رسیدن

روز جهانی کارگر امسال، تبلور یک اتحاد طبقاتی و اجتماعی - مهران محبی

بود. و مهمتر اینکه فراخوان به اعتراض سراسری به کلیت رژیم با این جمله پایانی داده شده بود: "پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت شروعی دیگر علیه رنج هائی است که سیستماتیک تولید می شوند" که همان معنای فراخوان برای پایان دادن به وضع موجود و آغاز دنیائی بهتر را در خود دارد.

خوشبختانه و علی رغم همه تهدیدها، احضارها و بازداشت ها، مراسماتی به طور مشترک شامل کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان در مقابل ادارات آموزش پرورش برگزار شد و در برخی مراکز کارگری و مراکز آموزشی کارگران و معلمان به طور جداگانه تجمعات ویژه اول ماه مه را برگزار کردند.

در این روز نه تنها جمهوری اسلامی به جرم جنایت هائی که در عرصه اقتصادی و معیشتی و آموزشی به محاکمه کشیده شد، بلکه به جرم سرکوبگری ها و قتل هایش که آخرین نمونه هولناک و وسیع اش در بندر رجائی مرتکب شده بود، محاکمه شد. از این جهت روز جهانی کارگر امسال نمودی از اعلام یک سنگربندی سیاسی و طبقاتی کارگری در پیوند با جنبش های دیگر اجتماعی بود که می خواهند هر چه زودتر این رژیم جنایکار را سرنگون کنند.

از این منظر به آنانی که فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران را اقدامی تفرقه افکنانه و ضد ارزش های روز جهانی کارگر ارزیابی دانسته و محکوم کردند، توصیه می کنم واقعیات را آنطور که هست و آنطور که در میدان عمل پیش می رود، ببینند. همانطور که اشاره شد، عدم اشاره به روز کارگر یک کمبود بود و باید برای آینده هوشیار بود. اما هدف آشکارا برگزاری روز جهانی کارگر بود و اگر متن فراخوان با دقت خوانده شود، طبعاً شما هم به همان جعبندی ای میرسید که من رسیدم. اقدامی که معلمان کردند نهایتاً تقویت کننده روز جهانی کارگر بود و درود میگویم به معلمان و کارگران و بازنشستگان و همه کسانی که در این اول مه نقش بازی کردند و پرچم روز جهانی کارگر را بلند کردند.

امسال در ایران برگزاری تجمعات و مراسمات به مناسب روز جهانی کارگر از چندین روز مانده به ۱۱ اردیبهشت گفتمان و بحث غالب در مباحث درون محافل کارگران، معلمان و گروه های مختلف بازنشستگان بود. صحبت ها بر سر چگونگی و زمان آن بود. بویژه اینکه پنجشنبه یازده اردیبهشت با هیچیک از تجمعات هفتگی بازنشستگان و کارگران مقارن نبود. تا اینکه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران فراخوانی برای تجمع فرهنگیان شاغل و بازنشسته در روز ۱۱ اردیبهشت به مناسبت آنچه در این فراخوان "آغاز هفته معلم" عنوان شده بود، انتشار داد. این فراخوان خیلی سریع باعث شد تا به روز مورد توافق بخش هائی از کارگران، معلمان و بازنشستگان که از قبل اصرار بر برگزاری مراسمات مشترک اول ماه مه داشتند، بشود.

طبعاً با توجه به اینکه معلمان خود را بخشی از طبقه کارگر میدانند، عدم اشاره به روز کارگر و تبریک این روز و تأکید بر مطالبات کارگری که مطالبات کل جامعه است یک کمبود بود. اما بعد با هوشیاری خود معلمان این کمبود نیز کنار رفت و تشکلهای معلمان در پاسخ مثبت به این فراخوان اعلام کردند که در یازده اردیبهشت همراه با بازنشستگان که فراخوان گرامیداشت این روز را داده بودند، اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی خواهند داشت. بدین ترتیب ده ها بیانیه و فراخوان از سوی تشکلهای کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و دانش آموزان و تشکلهای اجتماعی و تشکلهای محلی معلمان منتشر شد و بر برگزاری تجمعات و مراسمات روز جهانی کارگر در یازدهم اردیبهشت بعنوان روز جهانی کارگر تأکید شد. این استقبال عمومی از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران علی رغم اینکه نامی از روز جهانی کارگر برده نشده بود، طبیعی بود. چون سرتاسر بیانیه، بیان درد و رنج های تحمیل شده بر اکثریت مردم از کارگر گرفته تا معلم، بازنشسته، پرستار، دانشجو و دانش آموز و همه مردم تحت ستم حاکمیت حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی



مبارزاتشان تأکید کردند.

در زنجان بازنشستگان با شعار همکار بازنشسته اتحاد اتحاد بر تداوم متحدانه مبارزاتشان تأکید نمودند.

در این روز همچنین مالباختگان شرکت خودرویی "رضایت خودروی طراوت نوین" پس از تجمع در برابر دادسرای استان (در مجتمع ادارات پونک)، به تجمع در بزرگراه قزوین - کرج پرداخته و این خیابان را بستند. این تجمع با حمله نیروی انتظامی مواجه شد اما مالباختگان به تجمع خود ادامه دادند.

شرکت «رضایت خودروی طراوت نوین»، به مدیریت پاسداری به نام محمدرضا غفاری و با پشتیبانی نهادهای قدرت، پس انداز هزاران تن از مردم را با وعده ی تحویل خودرو بالا کشیده است. زیر فشار اعتراضات مالباختگان دادگستری حکم محکومیت این شرکت را صادر کرده اما خبری از مصادره اموال کلاهبرداران رضایت خودرو و باز پس دادن پول مردم نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۵ مه ۲۰۲۵

تجمعات بازنشستگان مخابرات در چندین شهر و خبری دیگر

امروز پانزدهم اردیبهشت ماه بازنشستگان مخابرات دریکی دیگر از دوشنبه های اعتراضی خود در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواستههایشان در شهرهای کرمانشاه، اصفهان، سمنجان، همدان، رشت، تبریز، زنجان، اهواز، تهران، ایلام و بیجار تجمع و اعتراض کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل مخابرات تجمع کرده و با خشم فریاد می زدند "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته بیدار است، از ظلم و تبعیض بیزار است"، "دیگه نگید نداریم، خسته از این شعاریم" و پیگیر مطالبات خود شدند.

در اصفهان یکی از بازنشستگان با صدای بلند فریاد زد و گفت که تا زمانیکه حق و حقوقمان را نگیریم به تجمعاتمان ادامه میدهیم و جمعیت یکصدا آنها را تایید کرده و با شعارهای "ستاد فرمان امام حق ماها را خورده"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن" صدای اعتراضشان را بلند کردند.

در همدان، بندرعباس و تبریز بازنشستگان با شعار های "شرکت پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "سهامداران عمده حق ماها رو خورده"، "ستاد اجرایی حق ماها را خورده" اعتراض خود را علیه چپاولگریهای حاکم فریاد زدند.

در رشت بازنشستگان با شعارهای "اجرای آیین نامه حق مسلم ماست"، "سهامدار ظالم، حق ماها را خورده"، "تا حق خود نگیریم دوشنبه ها می آیم" بر تداوم

تجمع کارگران ارکان ثالث فلات قاره در یازده اردیبهشت و اخباری دیگر

بازداشت شدگان اول مه و متروی تهران باید فوراً آزاد شوند



هستند. به گفته کارگران آنها فقط در فصل برداشت کار میکنند و در باقی سال بیکارند و خواستار عقد قرارداد دائم و داشتن امنیت شغلی هستند. آخرین خبر مربوط به دستگیری پنج نفر از کارگران شرکت بهره برداری مترو در آستانه روز جهانی کارگر است. این دستگیریها بدنبال تجمع اعتراضی کارگران مترو تهران در دهم اردیبهشت انجام گرفت. کارگران مترو قبل از آن نیز در سی و یکم فروردین ماه تجمع بزرگی داشتند. جمعی از کارگران متروی تهران طی بیانیه ای به این دستگیریها اعتراض کرده و مینویسند: "این اقدام ناعادلانه، نه یک خطای موردی، بلکه نشانه ای روشن از تلاش سیستماتیک برای سرکوب صدای حق طلبی و مطالبه گری کارگران است. بی تردید، مفسدان و زیاده خواهان که سالهاست در سایه ی رانت و فساد، برای خود حاشیه ای امن ساخته اند، تاب شنیدن صدای عدالت خواهی را ندارند و هر صدای مستقلی را تهدیدی برای منافع ناحق خود می بینند. اما کور خوانده اند... ما با تمام توان، از همکاران خود حمایت می کنیم و اعلام می داریم که راهمان نه تنها متوقف نخواهد شد، بلکه با عزمی راسخ تر و اراده ای نیرومندتر ادامه خواهد یافت. ما از دل فشارها، قوی تر بیرون خواهیم آمد. نه سکوت می کنیم، نه عقب می نشینیم. و فریادمان را در میدان، بلندتر از همیشه طنین انداز خواهیم کرد."

بدین ترتیب کارگران مترو در تهران پیگیر مطالبات خود و در راس آن آزادی فوری و بدون قید و شرط همکاران بزداشته خود هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳ مه ۲۰۲۵

همانطور که قبلاً گزارش کرده بودیم در جریان برگزاری روز جهانی کارگر تعدادی در تهران و دیگر شهرها بازداشت شدند که چهار نفر از آنها به اسامی ولی میرزا سیدی، فراحی شاندیز، احمد حیدری از تهران و حسین عبادیان معلم بازنشسته اهل ملایر و ساکن شهریار همچنان در زندان بسر میبرد. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قید و شرط همه بازداشت شدگان اول مه تاکید دارد. بنا بر خبرها میرزا سیدی به زندان اوین منتقل شده است.

همچنین در ادامه گزارشات روز جهانی کارگر و بر اساس خبر منتشر شده در مدیای اجتماعی کارگران ارکان ثالث شرکت نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان و سکوه های سلمان و بلال در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر برای پیگیری مطالبات خود برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند و روز جهانی کارگر را تبریک گفته و گرامی داشتند. این کارگران همچنین همبستگی خود را با مردم بندرعباس اعلام کردند. طبق این گزارشات بیش از ۸۰ درصد امور عملیاتی و بهره برداری در نفت توسط کارگران ارکان ثالث انجام می شود اما در دریافت مزد و مزایا همیشه با تبعیضات و نابرابری ها مواجه هستند. مطالبات همکاران ارکان ثالث در مناطق عملیاتی جنوب عبارتند از: حذف فوری پیمانکاران نفت، - افزایش مزد متناسب با شرایط بحرانی و گرانی افسار گسیخته بازار، - اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، اعمال مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداختهای مزدی و...

اعتراضات بر سر معیشت گسترده است و امروز ۱۳ اردیبهشت مردم در گناوه در اعتراض به حذف زمین فرودگاه گناوه دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضین میگفتند جنگل خواری و کوه خواری به زمین فرودگاه خواری هم رسید.

خبر دیگر اینکه طی روزهای اخیر جمعی از کارگران فصلی مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به وضعیت شغلی خود در محوطه این مجتمع تجمع کردند. این کارگران که به صورت روزمزدی در مزارع نیشکر فعالیت دارند، خواستار تبدیل قراردادهای خود به قرارداد دائم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۱۵ اردیبهشت:

مسئولین معترضند. آنها خواستار دسترسی به اسکله و جست و جو برای یافتن فرزندان و عزیزانشان و شفاف سازی درباره وضعیت اجساد و مفقودین هستند.

- همبستگی با خانواده های جانبازان انفجار بندر اسکله و مردم بندرعباس گسترده است. "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر" شعار است که در تجمعات بازنشستگان سر داده شده و اکنون به شعار اعتراضی مردم بر در و دیوار تبدیل شده است. خانواده های دادخواه در تهران با بازماندگان فاجعه بندرعباس در سالروز تولد متین نادرخانی از جانبازان انقلاب زن زندگی آزادی، اعلام همبستگی کردند. همچنین خانواده های دادخواه هوایمای اوکراینی در همبستگی با این خانواده ها برای ساعت هفت عصر امروز سوم اردیبهشت ماه در یونیتی پارک، ریچموند هیل و شهرهای لندن، برلین، فرانکفورت، هیوستون، کبک، مونترال، شیکاگو و نورنبرگ فراخوان به روشن کردن شمع به یاد جانبازان فاجعه بندر رجایی را داده اند. یک بخش زیبای همبستگی ها کاروان های همبستگی رانندگان کامیون و رژه اعتراضی آنها در شهرهای مختلف از جمله در زرین شهر، نیشابور، اردبیل، کازرون، اسدآباد، گلپایگان، تاکستان، اصفهان، مریوان، مشهد، زرنده، کرمانشاه و دیزچه است.

جمعه ۱۲ اردیبهشت:

- طی روزهای اخیر جمعی از کارگران فصلی مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به وضعیت شغلی خود در محوطه این مجتمع تجمع کردند. این کارگران که به صورت روزمزدی در مزارع نیشکر فعالیت دارند، خواستار تبدیل قراردادهای خود به قرارداد دائم هستند. به گفته کارگران آنها فقط در فصل برداشت کار میکنند و در باقی سال بیکارند و خواستار عقد قرارداد دائم و داشتن امنیت شغلی هستند.

- پنج نفر از کارگران شرکت بهره برداری مترو در آستانه روز جهانی کارگر است. این دستگیرها بدنبال تجمع اعتراضی کارگران مترو تهران در دهم اردیبهشت انجام گرفت. کارگران مترو قبل از آن نیز در سی و یکم فروردین ماه تجمع بزرگی داشتند. جمعی از کارگران متروی تهران طی بیانیه ای به این دستگیریها اعتراض کرده و مینویسند: "این اقدام ناعادلانه، نه یک خطای موردی، بلکه نشانه ای روشن از تلاش سیستماتیک برای سرکوب صدای حق طلبی و مطالبه گری کارگران است."

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت:

- تجمعاتی در گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهرهای کرمانشاه، شیراز، ممسنی و نورآباد، قزوین، هرسین، اسلام آباد غرب و اراک، برگزار شدند. در سقز و سنندج نیز در این روز جمعی از زنان در سقز و سنندج به کارگاههایی که زنان کار میکنند سر زدند و با تقدیم گل و شیرینی و قرائت بیانیه ای روز جهانی کارگر را تبریک گفتند و به این ترتیب اول ماه مه را گرامی داشتند. در بند هشت زندان اولین و بند زنان نیز اول ماه مه را زندانیان گرامیداشتند.

- بازنشستگان مخبرات در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواستهایشان در شهرهای کرمانشاه، اصفهان، سنندج، همدان، رشت، تبریز، زنجان، اهواز، تهران، ایلام و بیجار تجمع و اعتراض کردند.

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت:

- بازنشستگان تامين اجتماعی و فولاد و معدن به روال هر یکشنبه در اعتراض به فقر و بی تامينی و اختلاسگریهای حاکم و برای پیگیری خواستهای خود در چندین شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمعات در شهرهای اهواز، شوش، تهران، اصفهان و کرمان برگزار شدند.

- کارکنان رسمی نفت و ورودیهای آزمون سال ۹۲ به بعد، در اعتراض به عدم توجه و رسیدگی به خواستهایشان، تجمع بزرگی را در مقابل وزارت نفت برگزار کردند. این کارکنان خواهان اصلاح و به روزرسانی جدول پایه حقوق خود، اجرای صریح و کامل ماده ۱۰ قوانین وزارت نفت، اصلاح میانگین شایستگی و طرز کار و اجرای فوق العاده ترمیم حقوق و فوق العاده خاص برای کارکنان با توجه به زمان استخدام (سال ۹۲) که میبایستی تعدیل مدرک و مدت زمان پیمانی طبق قانون ۹۲ باشد.

شنبه ۱۳ اردیبهشت:

- اهالی پنج روستای باغ بهزاد، سلحچین، بابامنصور، قلعهچه و دهنو باغ بهزاد در مقابل فرمانداری خانمیرزا در استان چهارمحال و بختیاری تجمع کردند و به فعالیت معرب سنگ شکن ها و تخریب محیط زیست و آلودگی هوا اعتراض نمودند. معترضان با در دست داشتن پلاکارهایی، خواستار توقف فوری عملیات این واحدها شدند.

- در جریان برگزاری روز جهانی کارگر تعدادی در تهران و دیگر شهرها بازداشت شدند که چهار نفر از آنها به اسامی ولی میرزا سیدی، فراخی شانديز، احمد حیدری از تهران و حسین عبادیان معلم بازنشسته اهل ملایر و ساکن شهریار همچنان در زندان بسر میبرد. بنا بر خبرها میرزا سیدی به زندان اوین منتقل شده است. بازداشت شدگان اول مه باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- مردم در گناوه در اعتراض به حذف زمین فرودگاه گناوه دست به تجمع اعتراضی زدند. معترضین میگفتند جنگل خواری و کوه خواری به زمین فرودگاه خواری هم رسید.

- خانواده های جانبازان فاجعه مرگبار معدن رجایی با در دست داشتن تصاویری از عزیزانشان در مقابل اسکله رجایی تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسئولین شدند. خانواده ها دادخواهند و حکومت را مسئول مستقیم این جنایت میدانند. خانواده ها به کندی روند عملیات جست و جوی مفقود شدگان و عدم پاسخگویی



آلوده به کار خود بازگردند تا همه چیز "عادی" جلوه کند. یکی از آن‌ها که کارمند دفتری است، می‌گوید: "ما از تمام وجودمان مایه می‌گذاریم، اما حقوقمان در پایان ماه فقط سیزده میلیون تومان است. بیمه تکمیلی، پاداش یا حق سختی کار نداریم." او می‌افزاید: "فقط همین را بگویم؛ نان به قیمت جان." کارگران می‌گویند چند ماه است که حقوق آن‌ها پرداخت نشده و نگران‌اند چه تضمینی وجود دارد این فجایع تکرار نشوند.

اکنون وظیفه همه ماست که در کنار مبارزه برای دادخواهی صدها نفری که در انفجار مرگبار بندرعباس کشته یا زخمی شده‌اند، برای نجات زندگان این فاجعه نیز برخیزیم. کارگرانی که به دلیل اطلاع‌رسانی درباره این فاجعه بازداشت شده‌اند، باید فوراً آزاد شوند. مبارزه برای روشن شدن حقایق پنهان بندرعباس و دادخواهی در این زمینه، باید با تلاش برای بهبود شرایط کاری کارکنان بندر رجایی گره بخورد و از حمایت همگانی برخوردار شود. (نشریه ژورنال شماره ۱۰۲۹)

فشار امنیتی بر کارگران بندر رجایی - حسن صالحی

فاجعه هولناک بندرعباس، ابعاد چندگانه و تکان‌دهنده‌ای دارد. تعداد زیادی جان خود را از دست داده‌اند و هنوز فهرست کامل اسامی آن‌ها در دست نیست. صدها نفر در این فاجعه آسیب دیده‌اند، و بسیاری نیز مفقود شده‌اند و از سرنوشتشان خبری نیست. خانواده‌های بازماندگان عملاً از سوی رژیم به فراموشی سپرده شده‌اند. اکنون، کارگرانی که به دلیل گزارش دادن از کشته شدن همکارانشان و بازگ کردن آنچه بر آن‌ها رفته، در معرض فشارهای امنیتی قرار گرفته‌اند. بر اساس گزارش تلویزیون ایران اینترنشنال، دو تن از این کارگران به دلیل انتشار اخبار مرتبط با این فاجعه بازداشت شده‌اند و دیگران نیز تحت فشار امنیتی قرار دارند.

از همان روز نخست انفجارهای مهیب در بندرعباس - که قدرت آن‌ها معادل ۵۰ تن تی‌ان‌تی گزارش شده - جمهوری اسلامی به جای رسیدگی به وضعیت کشته‌شدگان، مصدومان و خانواده‌های آنان، با تهدید و خط و نشان کشیدن، سعی در محدود کردن اطلاع‌رسانی درباره این فاجعه داشت. آن‌ها به خوبی می‌دانستند که بی‌مبالائی و بی‌کفایتی‌شان در وقوع این فاجعه سهمگین دخیل بوده‌اند. می‌دانستند که مردم، دستان خونین این حکومت را پشت این "حادثه" خواهند دید و خشم و نفرتشان از رژیم شدت خواهد گرفت. از همین رو، با صدور دستورات امنیتی و اعمال تهدید و سرکوب، تلاش کردند مانع افشای حقیقت شوند. اکنون نیز وضعیت بازماندگان فاجعه بندرعباس به شدت نگران‌کننده است. کارکنان بندر رجایی، تنها دو روز پس از حادثه، ناچار شده‌اند در هوایی مسموم و

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۱

- کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در هفته شصت و ششم با پیوستن زندان سنج به ۴۱ زندان گسترش یافت. - همزمان خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام چهار شهر شیراز، بوکان، تهران، و رشت با بلند کردن پلاکارد نه به اعدام و عکس عزیزانشان که زیر خطر اعدام هستند، حمایت خود را از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و زندانیان محکوم به اعدام ابراز کردند.

دوشنبه ۸ اردیبهشت:

- بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضاتشان به فقر و بی‌تامینی و کل بساط تبعیض، نابرابری، و چپاول و سرکوب حاکم برای یازده اردیبهشت برابر با اول ماه روز جهانی کارگر فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده‌اند.

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های هر هفته در شهرهای کرمانشاه، اهواز، خرم‌آباد، بیجار، سنج، تهران، دزفول، تبریز، ایلام، زنجان، تجمع کردند.

- جمعی از بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان از سراسر کشور که به تهران آمده بودند در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرایی نشدن همسان‌سازی حقوقها مقابل این دانشگاه تجمع کردند.

- کارگران بلوچ شرکت کشت و صنعت مکران گوردیم کنارک در اعتراض به اخراجها تجمع کردند.

- کارگران ارکان ثالث نفت فلات قاره منطقه عملیاتی لاوان و سکوه‌ای سلمان و بلال در ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر برای پیگیری مطالبات خود برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند و روز جهانی کارگر را تبریک گفته و گرامی داشتند. این کارگران همچنین همبستگی خود را با مردم بندرعباس اعلام کردند.

- نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی یک شهروند اهل دزفول به نام عظیم فرخوند، شهروند ۳۵ ساله که در اعتراض به اعدام یکی از بستگانش به همراه خانواده‌ها و شماری از مردم تجمع کرده بودند را، با شلیک گلوله به قتل رساندند. بنا بر خبردریافتی، حکومت جمهوری اسلامی، در سحرگاه این روز کریم فرخوند ۲۵ ساله و محمود استاد که به اتهام "سرقت مسلحانه" حکم اعدام داشتند را به طناب دار آویخت.

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت:

- جمع بزرگی از نانوایان شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت یارانه نانواها مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند.

- جمعی از مالکین زمینهای شهرک هوانیروز در اعتراض به چپاولگریها تجمع کردند و مورد تعرض ماموران نیروی انتظامی، لباس شخصی‌ها و شلیک هوایی آنان قرار گرفتند و جمعیت با شعار بی‌شرف بی‌شرف به اعتراض ادامه دادند

- جمعی از مردم در شهر دزفول برای توقف احکام اعدام دو جوان کریم فرخوند ۲۵ ساله و محمود استاد که به اتهام "سرقت مسلحانه" در مقابل زندان دزفول تجمع کردند. این دو جوان در حالی اعدام شدند که شاکیان پرونده، خواهان بخشش آنان شده بودند. به گفته زنده یاد نوید افکاری جمهوری اسلامی برای طناب دارش بدنبال گردن است.

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت:





ریوی، سالندان و کودکان را از فعالیت‌های طولانی یا سنگین خارج از منزل پرهیز میدهد و بر کاهش فعالیت سایر افراد در چنین هوایی تاکید میکند. بدین ترتیب آلودگی هوا باعث رکود کار و زندگی در این استان و بسیاری مناطق دیگر شده است. آلودگی هوا بخاطر سیاست‌های مخرب حکومت در قبال محیط زیست از مردم قربانی میگیرد. جنبش علیه تخریب محیط زیست و چپاولگریهای زیست محیطی حکومت جنبشی قوی در ایران خصوصا در خوزستان است. به این جنبش پیوندیم.

چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت

- شماری از مردم معترض در دزفول در اقدامی متحدانه برای جلوگیری از اعدام دو تن از جوانان شهر به نام‌های کریم فرخوند و محمود استاد ممزایی که با وجود گذشت شاکیان خصوصی، حکم اعدام شان لغو نشده و قرار است فردا اجرا شود، تجمع و اعتراض کردند. مردم دزفول با این اقدام مبارزاتی خود الگویی برای جلوگیری از اعدام را در تمام شهرها بدست می‌دهند.

- کارگران هفت‌تپه به تجمع روز جهانی کارگر در همبستگی با مردم بندرعباس فراخوان داده‌اند.

- جمعی از مرغداران استان خوزستان در اعتراض به سیاست‌های سرکوبگرانه و قیمت‌گذاری ظالمانه حکومت که موجب وخامت بیشتر معیشتشان شده، مقابل اداره جهاد کشاورزی و دادگستری اهواز تجمع کردند.

- یک زندانی در شوشتر که از بابت اتهام قتل، به اعدام محکوم شده بود بعد از دوازده سال حبس با کسب رضایت خانواده مقتول از چوبه دار رهایی یافت. رضایت خانواده‌های مقتول که خود عزیزی را از دست داده‌اند، یک نه بزرگ به سنت شیعی اسلامی قصاص است.

- کارگران حفاظتی-حراستی نفت و گاز کارون در اهواز با خواست فوری تبدیل وضعیت و خروج از حالت موقت و حجمی و افزایش حقوقها مقابل استانداری و فرمانداری خوزستان تجمع کردند. این کارگران هفده سال است که در شرکت نفت و گاز کارون بصورت حجمی و موقت، و بدون داشتن امنیت شغلی با دستمزدهای نازل در این شرکت به کار اشتغال دارند. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف پیمانکاران نفت، تبدیل وضعیت و خروج از حالت موقت و حجمی، بازنگری در طرح طبقه بندی، مانند همکاران ارکان ثالث، افزایش مزد و پرداخت همزمان حقوق و مطالبات کارگران در سامانه جامع حقوق، تعیین تکلیف کارگران در سامانه سایر دولت.

- براساس اطلاعیه کارگروه اضطرار، آلودگی هوای خوزستان، فعالیت مدارس و دانشگاه‌های ۱۴ شهرستان خوزستان در این روز، در نوبت عصر حضوری شد. شدت آلودگی هوا کار و معیشت مردم در این استان را دچار اختلال جدی کرده

از خوزستان خبر میرسد؟

۱۲-۵ اردیبهشت ۱۴۰۴



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

جمعه ۱۲ اردیبهشت

- ماه منیر مولایی‌راد، مادر دادخواه کیان پیرفلک، از تخریب سنگ مزار فرزندش که در جریان شلیک نیروهای حکومتی بسوی مردم، در انقلاب زن زندگی آزادی به قتل رسید، توسط مزدوران حکومت خبر داد. جنایتی که به فریاد "حکومت کودک کش نمی‌خوایم، نمی‌خوایم، تبدیل شد". ما منیر مولایی‌راد، یکی از سبملهای خانواده‌های دادخواه است. او این اقدام حکومت را نشانه‌ای از بی‌رحمی دانسته و مینویسد: "حکومت نه به کودک رحم می‌کند، نه به سنگ قبرش. امروز نوبت من بود، فردا نوبت دیگران." تخریب سنگ قبر کیان پیرفلک پس از حضور ماه منیر در مرکز انتقال خون بندرعباس صورت گرفت؛ جایی که او با خانواده‌های قربانیان فاجعه بندر رجایی، ابراز همدردی کرده بود. او گفت که این اقدام وحشیانه حکومت، پاسخی به همبستگی با مردم داغدار و تلاش برای بازتاب صدای مظلومان است.

حکومت اسلامی که با یک جنبش قدرتمند دادخواهی روبروست با تخریب مزار جانباختگان، میکوشد آثار جنایتش را کمرنگ کند. این حکومت حتی از سنگ قبر نیز وحشت دارد.

پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت

- نیروهای جنایتکار جمهوری اسلامی یک شهروند اهل دزفول به نام عظیم فرخوند، شهروند ۳۵ ساله که در اعتراض به اعدام یکی از بستگانش به همراه خانواده‌ها و شماری از مردم تجمع کرده بودند را، با شلیک گلوله به قتل رساندند. بنا بر خبر دریافتی، حکومت جمهوری اسلامی، در سحرگاه این روز کریم فرخوند ۲۵ ساله و محمود استاد که به اتهام "سرقت مسلحانه" حکم اعدام داشتند را به طناب دار آویخت.

لازم به یاد آوری است که در روز سه‌شنبه نهم اردیبهشت تجمع گسترده مردمی برای توقف این احکام در مقابل زندان دزفول شکل گرفته بود. به گفته زنده یاد نوید افکاری جمهوری اسلامی برای طناب دارش بدنبال گردن است. این دو جوان در حالی اعدام شدند که شاکیان پرونده، خواهان بخشش آنان شده بودند. جنبش بخشش بازتاب جنبش قدرتمند نه به اعدام است. حکومت سعی میکند در چهارچوب مجازات‌های جنایتکارانه اسلامی و مجازات قصاص خانواده‌های مقتولین را در جنایت خود و اجرای احکام اعدام شریک کند. اما جنبش بخشش دست رد مردم، به این توطئه جنایتکارانه و کثیف حکومت و عقب زدن قانون جنایتکارانه قصاص زده است. قوانین مجازاتهای اسلامی از جمله قانون قصاص را همراه با خود حکومت کشتار و اعدام به زیاله دان باید سپرد.

- براساس گزارشات هواشناسی حکومتی، هوای آبادان در این روز با شاخص ۱۵۱، اهواز ۱۵۸، بهبهان و خرمشهر ۱۵۲، ماهشهر ۱۷۸، سوسنگرد ۱۸۹، گتوند ۱۵۵، هندیجان ۱۵۶ و هویزه ۱۷۳ در وضعیت ناسالم قرارداشت. همچنین هوای شهرهای امیدیه با شاخص ۱۳۹، اندیمشک ۱۳۳، حمیدیه ۱۱۵، دزفول ۱۳۷، رامشیر ۱۲۷ و شوشتر ۱۴۱ در وضعیت ناسالمی برای گروه‌های حساس است. آلودگی هوا در این استان به حدی است که خود حکومت در گزارشاتش افراد مبتلا به بیماری قلبی یا



اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، و کارگران رسمی نفت و خبری دیگر

امروز ۱۴ اردیبهشت ماه بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و معدن به روال هر یکشنبه در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌گرهای حاکم و برای پیگیری خواسته‌های خود در چندین شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمعات در شهرهای اهواز، شوش، تهران، اصفهان و کرمان برگزار شدند.

در اهواز بازنشستگان تامین اجتماعی مقابل اداره کل این سازمان تجمع داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار میدادند "دشمن ما همینجاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "روسی را رها کن، فکری به حال ما کن"، "نگ ما، نگ ما، صدا و سیمای ما"، "آهای رئیس دولت، دروغ گفتی به ملت"، "بندرعباس تسلیت، تسلیت"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد"، "توبت ما که میشه، خزانه خالی میشه".

در تهران بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی جمع شدند و از جمله شعار دادند "از معدن تا بندر، قتلگاه کارگر"، "از معدن تا بندر، ناامنی کارگر".

در شوش بازنشستگان تامین اجتماعی از شهرهای کرخه، شوش و هفته تپه جمع شدند و با شعارهای اعتراضی خود و سردادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" کل بساط توحش و بردگی را به چالش کشیدند. برخی شعارهای بازنشستگان عبارت بود از "از خوزستان تا گیلان/ نگ بر این مدیران"، "سفرو ی بی نان ما/ چه میخواین از جان ما"، و "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌شینیم".

در این روز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان و کرمان تجمع داشتند. در اصفهان

بازنشستگان فولاد مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط جمع شده بودند و با راهپیمایی و شعار "فولادی دادبزن، حق‌تو فریادبزن" پیگیر مطالباتشان شدند.

- در این روز همچنین کارکنان رسمی نفت و رودیه‌های آزمون سال ۹۲ به بعد، در اعتراض به عدم توجه و رسیدگی به خواسته‌هایشان، تجمع بزرگی را در مقابل وزارت نفت برگزار کردند. این کارکنان خواهان اصلاح و به روزرسانی جدول پایه حقوق خود، اجرای صریح و کامل ماده ۱۰ قوانین وزارت نفت، اصلاح میانگین شایستگی و طرز کار و اجرای فوق‌العاده ترمیم حقوق و فوق‌العاده خاص برای کارکنان با توجه به زمان استخدام (سال ۹۲) که میبایستی تعدیل مدرک و مدت زمان پیمانی طبق قانون ۹۲ باشد.

آخرین خبر اینکه روز شنبه سیزدهم اردیبهشت ۱۴۰۴، اهالی پنج روستای باغ بهزاد، سلح‌چین، بابامنصور، قلعه‌چه و دهنو باغ بهزاد در مقابل فرمانداری خانمیرزا در استان چهارمحال و بختیاری تجمع کردند و به فعالیت مخرب سنگ‌شکن‌ها و تخریب محیط زیست و آلودگی هوا اعتراض نمودند. معترضان با در دست داشتن پلاکارهایی، خواستار توقف فوری عملیات این واحدها شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۴ مه ۲۰۲۵

مراکز تولیدی و سونامی بیکاری و مختل شدن زندگی و چرخش جامعه است. این معضل بر خشم و اعتراض جامعه شدت داده است.

یکشنبه ۷ اردیبهشت

- در آستانه روز جهانی کارگر بازنشستگان تامین اجتماعی همچون یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به مشکلات معیشتی و برای پیگیری خواسته‌های خود در چندین شهر، از جمله در اهواز و شوش تجمع اعتراضی برپا کردند.

شنبه ۶ اردیبهشت

- جمعی از زندانیان زندان بهبهان اعلام کردند که به کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» پیوسته و از سه‌شنبه ۹ اردیبهشت در اعتصاب غذا شرکت خواهند کرد.

- امیرخلفیان، دادستان اهواز، وثیقه‌ای به مبلغ ۸۰ میلیارد تومان (معادل تقریبی یک میلیون دلار آمریکا) برای عبدالامام زائری، زندانی سیاسی عرب اهوازی، تعیین کرده است که تهیه چنین مبلغ عظیمی برای خانواده او غیر ممکن است. این تصمیم در پی درخواست مرخصی استعلاجی برای این زندانی اتخاذ شده است

جمعه ۵ اردیبهشت

- روغن خوراکی هم نایاب شد. از جمله گزارش‌های امروز از کمبود شدید روغن نباتی در فروشگاه‌ها و مراکز توزیع شهرهای مختلف استان خوزستان خبر می‌دهد. این بحران باعث نارضایتی شدید مردم شده است. بویژه روغن، یکی از کالاهای اساسی سفره مردم است و کمبود آن مشکلات جدی‌ای ایجاد کرده است. آب قطع، برق جیره بندی، و روغن نایاب است. این وضع خوزستان و مردم در همه جاست.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳، ۲ مه ۲۰۲۵

از صفحه ۱۳

از خوزستان خبر میرسد...

است.

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت:

- بازنشستگان نفت درمنطقه امانیه اهواز در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواسته‌هایشان تجمع کردند و با شعار "مردم بندرعباس تسلیت تسلیت" همبستگی خود را با مردم مصیبت دیده این شهر ابراز کردند.

دوشنبه ۸ اردیبهشت:

- بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه اعتراضاتشان به فقر و بی‌تامینی و کل بساط تبعیض، نابرابری، و چپاول و سرکوب حاکم، برای یازده اردیبهشت برابر با اول ماه مه روز جهانی کارگر فراخوان به تجمعات اعتراضی سراسری داده‌اند.

- در آستانه روز جهانی کارگر بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته تجمعات سراسری خود را برگزار کردند. در این روز در اهواز نیز بازنشستگان مخابرات تجمع داشتند و با فریاد "مردم بندرعباس تسلیت تسلیت"، حمایت و همبستگی خود را با مردم این شهر و خانواده‌های جانبازان فاجعه جنایتکار انفجار در بندر رجایی اعلام داشتند.

- به گفته قاجانلو معاون وزیرنفت، شرکت فولاد خوزستان ۲۵ درصد از تولید خود را به دلیل کمبود برق و گاز در سال گذشته از دست داد. او نگرانی خود را از تداوم این جریان در سالهای آینده و تبعات اجتماعی بیان کرد. حکومت مافیایی جمهوری اسلامی توان اداره جامعه را از دست داده است. بحث بر سر جیره بندی آب و برق و گاز، این نیازهای حیاتی مردمی است. بحث بر سر قطعی‌های ممتد برق و تعطیلی



تجمع اعتراضی خانواده های جانباختگان انفجار بندر رجایی

گسترش همبستگی ها با مردم در بندرعباس

یک بخش زیبای همبستگی ها کاروان های همبستگی رانندگان کامیون و رژه اعتراضی آنها در شهرهای مختلف از جمله در زرین شهر، نیشابور، اردبیل، کازرون، اسدآباد، گلپایگان، تاکستان، اصفهان، مریوان، مشهد، زرنده، کرمانشاه و دیزچه است.

مردم به درست حکومت را مسئول این جنایت میدانند و خواست اول آنها شفاف سازی و معرفی و محاکمه مسئولین مستقیم این جنایت است. خواسته های دیگر مردم عبارتند از: اعلام رسمی تعداد کشته شدگان با اسم و مشخصات، درمان رایگان و با کیفیت برای مصدومین این انفجار، سرعت بخشیدن به عملیات برای پیدا کردن رد و نشانی از مفقودین، پاک سازی محل به لحاظ آلودگی های شیمیایی ناشی از انفجار و تهیه نیازهای فوری مردم از جمله ماسک بخاطر آلوده شدن هوای تنفسی، بازسازی فوری اسکله و پرداخت خساراتی که به کار و زندگی مردم وارد شده است.

انفجار بندر رجایی و قربانی شدن دهها نفر از کارگران و مردم، جنایتی دیگر از جنایات حکومت در کنار دیگر جنایاتش است. بنا بر گزارشات سپاه و باندهای مافیایی حکومت پشت رخداد فاجعه انفجار هستند. جامعه جهانی را باید از ابعاد این جنایت مطلع کرد. جمهوری اسلامی بخاطر تمام جنایاتش باید بایکوت و در انزوای جهانی قرار گیرد. از اعتراضات خانواده های جانباختگان بندر رجایی وسیع حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳ مه ۲۰۲۵

امروز سوم اردیبهشت ماه خانواده های جانباختگان فاجعه مرگبار معدن رجایی با در دست داشتن تصاویری از عزیزانشان در مقابل اسکله رجایی تجمع کرده و خواستار پاسخگویی مسئولین شدند. خانواده ها دادخواهند و حکومت را مسئول مستقیم این جنایت میدانند. خانواده ها به کندی روند عملیات جست و جوی مفقود شدگان و عدم پاسخگویی مسئولین معترضند. آنها خواستار دسترسی به اسکله و جست و جوی برای یافتن فرزندان و عزیزانشان و شفاف سازی درباره وضعیت اجساد و مفقودین هستند. یکی از خانواده ها با خشم و اعتراض میگوید "وزیری که وسط خاکستر ایستاده و می گوید: "همه چیز عادی است"، باید خودش را در آینه نگاه کند و بگوید: تو دروغ می گویی! به ما می گویند "ماهواره دروغ می گوید".

همبستگی با خانواده های جانباختگان انفجار بندر اسکله و مردم بندرعباس گسترده است. در اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگری یک موضوع مهم تجمعات و بیانیه های این روز، همبستگی با مردم بندر عباس و خانواده های جانباختگان انفجار بندر رجایی بود. "از معدن تا بندر، محل قتل کارگر" شعاری است که در تجمعات بازنشستگان سر داده شده و اکنون به شعار اعتراضی مردم بر در و دیوار تبدیل شده است. خانواده های دادخواه در تهران با بازماندگان فاجعه بندرعباس در سالروز تولد متین نادرخوانی از جانباختگان انقلاب زن زندگی آزادی، اعلام همبستگی کردند. همچنین خانواده های دادخواه هوایمای اوکراینی در همبستگی با این خانواده ها برای ساعت هفت عصر امروز سوم اردیبهشت ماه در یونیتی پارک، ریچموند هیل و شهرهای لندن، برلین، فرانکفورت، هیوستون، کبک، مونترال، شیکاگو و نورنبرگ فراخوان به روشن کردن شمع به یاد جانباختگان فاجعه بندر رجایی را داده اند.

فراخوانهای گسترده به مناسبت روز جهانی کارگر، حمایت بازنشستگان نفت از مردم بندرعباس و اخباری دیگر

بندرعباس فراخوان داده اند. در نهم اردیبهشت نیز بازنشستگان نفت در شیراز در اعتراض به پاسخ نگرفتن خواسته هایشان تجمع کردند و با شعار "مردم بندرعباس تسلیت تسلیت" اعتراض خود را به این فاجعه انسانی اعلام داشتند. فاجعه بندر رجایی طبق آمار تاکنونی ۱۲۰ کشته و بیش از دو هزار مصدومی و دهها نفر مفقود شده دارد و ابعاد انسانی آن بسیار گسترده تر از آنست که حکومت اعلام می کند. مردم حکومت را مسئول مستقیم این فاجعه دانسته و کاروانهای همبستگی کامیونداران در مریوان و کاشان، پیامهای همبستگی از سوی تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی و فریاد "از معدن تا بندر، قتل و کشتار کارگر" جلوه های باشکوهی از همبستگی های مردمی است که به گفتمان مهمی در مناسبت روز جهانی کارگر تبدیل شده است. بدینگونه صدای اعتراض از هر گوشه جامعه بلند است. امروز دهم اردیبهشت نیز جمع بزرگی از نانوایان شیراز در اعتراض به مشکلات معیشتی و عدم پرداخت یارانه نانواها مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. در این روز همچنین جمعی از مالکین زمینهای شهرک هوانیروز در اعتراض به چپاولگریها تجمع کردند و مورد تعرض ماموران نیروی انتظامی، لباس شخصی ها و شلیک هوایی آنان قرار گرفتند و جمعیت با شعار بی شرف بی شرف به اعتراض ادامه دادند. در چنین فضایی از اعتراض است که روز جهانی کار فرا میرسد و گفتمان بر سر گرامیداشت این روز در میان کارگران و بخش های مختلف مردم وسعت گرفته است. زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران- ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳۰ آوریل ۲۰۲۵

فردا روز جهانی کارگر است و فراخوان به مناسبت گرامیداشت این روز از سوی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، فضای اول مه امسال را رقم میزنند. در راستای فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمعات سراسری معلمان در یازدهم اردیبهشت ماه، بازنشستگان در تهران، کرمانشاه و رشت بر برگزاری مراسم اول ماه مه همراه با معلمان تاکید کرده اند. قبلا گزارش کردیم که بازنشستگان تامین اجتماعی به مناسبت این روز و برای پیگیری مطالباتشان به تجمعات سراسری در ۱۱ اردیبهشت فراخوان داده اند. در همین راستا شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیر رسمی نفت نیز طی بیانیه مشترکی ضمن حمایت از این فراخوانها کارگران در بخشهای مختلف نفت را به تجمع و اعتراض در روز جهانی کارگر و همبستگی با مردم بندرعباس فراخوانده اند. امروز نیز پرستاران و کادر درمان به مناسبت روز جهانی کارگر بیانیه داده و با تاکید بر بیانیه مشترک یازدهم تشکیل کارگری و اجتماعی که خود از امضا کنندگان آن هستند، بیانیه داده و می نویسند "اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال در روز پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت، با اتحاد و همدلی، بر عزم راسخ خود برای، پیگیری مطالبات بر حقمان هم پیمان میشویم!"

در حالیکه جامعه از اعتراض میجوشد بخشهای مختلف کارگری با فراخوانها و بیانیه های اعتراضی خود به استقبال روز جهانی کارگر میروند. بویژه فاجعه انفجار بندر رجایی شهر و قربانی شدن شمار زیادی از کارگران و کارکنان این بندر، جامعه را تکان داده است. کارگران هفت تپه به تجمع روز جهانی کارگر در همبستگی با مردم



کردند.

در این هفته همچنین دامنه تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی در اعتراض به حکم اعدام فرزندانشان و علیه اعدامها به شهرهای بیشتری کشیده شد. در تهران این چندمین تجمع این خانواده ها بود که برگزار شد.

خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام تصاویر فرزندانشان و ده زندانی سیاسی محکوم به اعدام وحید بنی عامریان، پویا قبادی، محمد تقوی سنگدهی، ابوالحسن منتظر، بابک علیپور، اکبر دانشورکار، مهدی حسینی، بهروز احسانی اسلاملو، محمدجواد وفایی ثانی و منوچهر فلاح را در دست گرفته بودند و با صدای بلند شعار «نه به اعدام»، «نه به احکام ظالمانه اعدام» سردادند. آنها همچنین دست نوشته هایی با شعارهای «نه به اعدام»، «لغو فوری اعدام» در دست داشتند.

اعتراض جوانان شهریار، بوکان و رشت علیه اعدامها

در این روز در شهریار نیز جوانان معترض در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام برای زندانیان سیاسی تجمع کردند و ضمن حمایت از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام»، پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن نوشته شده بود: نه به اعدام و سه‌شنبه‌های نه به اعدام

نظیر همین تجمع در بوکان و رشت برگزار شد و تجمع کنندگان حمایت خود را از سه‌شنبه‌های نه به اعدام اعلام کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۳۰ آپریل ۲۰۲۵

اعتراضات علیه اعدام و در حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام

تجمع و اعتراض علیه اعدام چند زندانی در دزفول

امروز ۱۰ اردیبهشت شماری از مردم معترض در دزفول در اقدامی متحدانه برای جلوگیری از اعدام دو تن از جوانان شهر به نام های کریم فرخ وند و محمود استاد ممزایی که با وجود گذشت شاکیان، حکم اعدام شان لغو نشده و قرار است فردا اجرا شود تجمع و اعتراض کردند. مردم دزفول با این اقدام مبارزاتی خود الگویی برای جلوگیری از اعدام را در تمام شهرها بدست می دهند.

جمهوری جنایتکار اسلامی به اعدامها گسترش داده است و هر روز شماری از زندانیان را تحت عناوین مختلف به چوبه های دار می سپارد. در مقابل این حکومت آدمکش، جنبش گسترده ای علیه اعدام به جریان افتاده است. شعار نه به اعدام، اعدام تحت هر عنوانی باید لغو شود یک گفتمان مهم روز جهانی کارگر امسال است. روز گذشته نهم اردیبهشت سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۴۱ زندان کشور با گفتمان اعدام تحت هر جرمی باید متوقف شود و احکام اعدام باید لغو گردند هفته شصت و ششم خود را پشت سر گذاشت. در این روز زنان زندانی سیاسی در زندان اوین با برگزاری تحصنی کوتاه، همبستگی خود را با تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در مقابل زندان اوین اعلام کرده و علیه مجازات اعدام شعار سر دادند.

تجمع خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام در چند شهر

امروز سه‌شنبه نهم اردیبهشت‌ماه -همزمان با شصت و ششمین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» خانواده زندانیان سیاسی و جوانان معترض در چهار شهر با تجمع و در دست داشتن پلاکاردهای نه به اعدام و عکس زندانیان سیاسی محکوم به اعدام اعتراض خود را با صدور احکام اعدام ابراز کردند. در شهرهای تهران، رشت، بوکان و شهریار خانواده های زندانیان جمع شدند و با بلند کردن پلاکارد نه به اعدام حمایت خود را از کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و زندانیان محکوم به اعدام ابراز

گزارش میدانی از انفجار بندر رجایی و وضعیت کارگران بلوچ



اجتناب می‌کنند. برخی گزارش‌ها حاکی از این است که ممکن است برخی از این کارگران در زیر آوارها یا کانتینرهای انفجاری مانده باشند و هیچ‌گاه پیکرشان پیدا نشود.

این حادثه نه فقط فاجعه‌ای در لحظه انفجار، بلکه تراژدی‌ای است که ریشه در سال‌ها بی‌عدالتی، فقر، بی‌هویتی و بهره‌کشی پنهان از نیروی کار بلوچ دارد — کسانی که برای یک لقمه نان، جان و هویت خود را به خطر می‌اندازند، بی‌آنکه کسی مسئولیت آن‌ها را بپذیرد. (برگرفته از مدیای اجتماعی اتحادیه آزادی کارگران ایران)

در پی انفجار مهیب روز ۶ اردیبهشت در بندر شهید رجایی، تعدادی از کارگران روزمزد بلوچ مفقود شده‌اند. این کارگران که بیشترشان جوانانی ۲۰ تا ۳۰ ساله از مناطق محروم سیستان و بلوچستان‌اند، بدون بیمه، قرارداد یا مدارک هویتی رسمی و با دستمزدی اندک، در شرایط دشوار و طاقت‌فرسا مشغول به کار بوده‌اند.

بسیاری از آنان ساکن اقامتگاه‌هایی بسیار ساده و فاقد امکانات در اطراف بندر هستند. برخی حتی در معابر غیررسمی وارد اسکله می‌شوند تا از نگاه نظارتی دور بمانند. به دلیل نداشتن شناسنامه یا ثبت رسمی در سیستم کار، پس از انفجار نه‌تنها آمار دقیق تلفات در دست نیست، بلکه هیچ مرجع رسمی پیگیر وضعیت آن‌ها نیست. جامعه محلی نیز تأکید می‌کند که این افراد «نامی در هیچ فهرستی ندارند» و حتی خانواده‌هایشان هم از سرنوشت آن‌ها بی‌اطلاع‌اند.

در گفت‌وگو با اهالی روستای «خون‌سرخ» (نزدیک بندر، گفته می‌شود که پیمانکاران از ترس از دست دادن امتیاز کاری، از اعلام نام و تعداد دقیق مفقودان

از معدن تا بندر، محل قتل کارگر



بهره‌کشی سیستماتیک از زندانیان در ایران

زندان؛ اردوگاه کار اجباری-آتنا دائمی

در طول نزدیک به هفت سال حبس در زندان‌های اوین، قرچک و لاکان، شاهد مستقیم فرایند بهره‌کشی سازمان‌یافته از زنان زندانی بوده‌ام. آنچه در این متن می‌آید، حاصل تجربه زیسته و مشاهده نزدیک من از واقعیت‌هایی است که در تضاد آشکار با آیین‌نامه‌های رسمی سازمان زندان‌ها جریان دارند. در این زندان‌ها، کار اجباری نه یک استثنا، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره زندانیان است. طبق ماده ۸۰ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌های کشور، مشارکت زندانیان در فعالیت‌های شغلی و خدماتی باید همراه با پرداخت دستمزد، اعطای امتیازات رفاهی و ثبت نمره اعتباری باشد؛ امتیازاتی که می‌توانند در روند بهره‌مندی از تسهیلاتی چون مرخصی، ملاقات حضوری یا آزادی مشروط مؤثر باشند. با این حال، فاصله میان قانون مکتوب و واقعیت زندان‌های ایران، عمیق و فاحش است.

زندان قرچک

نخست از زندان قرچک آغاز می‌کنم؛ مکانی که بالاترین میزان بهره‌کشی از نیروی کار زندانیان در آن مشاهده می‌شود. در این زندان، که با نام ندامتگاه شهر ری نیز شناخته می‌شود، صدها زن زندانی در بخش‌های خدماتی، بهداشتی و حتی اداری به کار گرفته می‌شوند. این کارها عموماً سنگین، طاقت‌فرسا و بدون پرداخت دستمزد رسمی‌اند. زنان زندانی برای تنها ۱۰ دقیقه زمان بیشتر تماس تلفنی، یا برای پرهیز از خشم زندانبانان، ناگزیر به پذیرش کارهای تحمیلی مانند نظافت، آشپزی، امور اداری و اداره امور داخلی بند می‌شوند. زندانیانی که در کارگاه‌ها مشغول‌اند، عموماً با عنوان «کارآموز» معرفی می‌شوند تا از شمول مقررات پرداخت مزد خارج بمانند. حتی برای کارهای خدماتی درون بندها، زندانیان حقوقی از سوی سازمان زندان‌ها دریافت نمی‌کنند. کمک‌هزینه‌ای ناچیز، که از حساب عمومی زندانیان کسر می‌شود، به آنان پرداخت می‌شود. این شرایط چنان طاقت‌فرساست که بسیاری از زندانیان برای تأمین حداقل نیازهای خود، به انجام کارهای شخصی هم‌بندی‌ها روی می‌آورند. کارهای تحمیلی در زندان قرچک شامل:

کار اداری: بخش عمده‌ای از امور اداری داخلی زندان بر عهده زندانیانی است که وضعیت «رای باز» دارند؛ یعنی کسانی که طبق تصمیم قضایی اجازه یافته‌اند تنها در ساعت‌های اداری در زندان باشند و فعالیت کنند. این زندانیان مسئولیت‌هایی همچون جابجایی زندانیان میان بند، بهداشتی و دفاتر اداری، تحویل و دریافت اسناد داخلی، توزیع اقلام بین بندها و گاهی حتی کمک در امور دفتری پرسنل زندان را برعهده دارند. این وظایف، بدون هیچ دستمزد رسمی یا حمایت بیمه‌ای انجام می‌شود. در بسیاری از موارد، عدم انجام سریع و بی‌چون‌وچرای این دستورات می‌تواند به محرومیت از رای باز یا اعمال فشارهای بیشتر منجر شود.

کار در آشپزخانه: آشپزخانه زندان از جمله بخش‌هایی است که به شدت به نیروی کار زندانیان وابسته است. زندانیان موظف‌اند مواد غذایی فله‌ای، مانند گونی‌های برنج، حبوبات و...، دیگ‌های بزرگ غذا، و صدها کتری حجیم آب جوش را جابه‌جا کنند. آنان بدون امکانات ایمنی کافی، ملزم به آماده‌سازی غذای صدها زندانی و انتقال آن به بندها هستند. در صورت بروز آسیب‌های فیزیکی مانند سوختگی، شکستگی یا کمردرد ناشی از حمل بار سنگین، زندانیان از هرگونه حمایت درمانی جدی یا جبران خسارت محروم می‌شوند و بر اساس تعهدنامه‌ای که از زندانیان دریافت می‌شود، مسئولیت کامل آسیب‌ها بر عهده‌ی زندان قرار می‌گیرد.

نظافت: زندانیان تازه‌وارد، ناگزیر به انجام وظایف نظافتی می‌شوند. این وظایف شامل نظافت راهروهای اصلی، دفاتر اداری پرسنل، نمازخانه، بخش‌های فرهنگی،

محوطه‌های عمومی و سرویس‌های بهداشتی بندهاست. این نوع کار اجباری، که در محیط‌هایی غالباً آلوده و فاقد امکانات بهداشتی صورت می‌گیرد، بدون هیچ نوع تجهیزات ایمنی انجام می‌شود و در موارد متعدد، زندانیان با انواع بیماری‌های پوستی یا عفونی مواجه می‌شوند.

کار در آسایشگاه پرسنل: زندان قرچک دارای بخش‌های اختصاصی برای استراحت و رفاه پرسنل زندان است. زندانیان، با امکانات محدود و ابتدایی، ملزم به تهیه‌ی غذای شخصی برای هر یک از پرسنل، نظافت اتاق‌های خواب و سرویس‌های بهداشتی آسایشگاه‌ها هستند. این کارها، که عملاً در خدمت رفاه مأموران زندان انجام می‌شود، بدون هیچ گونه جبران مالی یا حقوق انسانی صورت می‌گیرد و در صورت امتناع زندانی، با مجازات‌های غیررسمی مانند قطع تلفن یا محدود کردن خرید از فروشگاه روبه‌رو می‌شود.

کار در بهداشتی: علاوه بر نظافت مداوم فضای بهداشتی و تجهیزات پزشکی، زندانیان به کارهایی همچون جابه‌جایی پرونده‌های پزشکی، کمک به پرسنل در انتقال بیماران، رساندن تجهیزات و حتی نظافت آسایشگاه کارکنان بهداشتی گماشته می‌شوند. این خدمات نیز بدون هرگونه دستمزد و بدون رعایت استانداردهای بهداشتی و ایمنی صورت می‌گیرد. در موارد متعدد، زندانیانی که به کار در بهداشتی مشغول بودند، بدون آموزش اولیه‌ی بهداشتی، در معرض بیماری‌های واگیردار یا خطرات شغلی قرار گرفته‌اند.

زندان لاکان رشت

در زندان لاکان رشت، بهره‌کشی چهره‌ای آشکارتر و عریان‌تر به خود گرفته است. علاوه بر تکرار الگوهای کار اجباری مشابه قرچک، قالیبافی نیز یکی از ابزارهای بهره‌کشی است. زندانیان روزانه از ساعت ۸ صبح تا ۲:۳۰ بعدازظهر به کارگاه‌های قالیبافی منتقل می‌شوند و فرش‌های ابریشمی با ارزشی میلیاردی می‌بافند. با این وجود، تا سال ۱۴۰۰، دستمزد سالانه این کار سنگین تنها یک میلیون تومان بود؛ معادل کمتر از صد هزار تومان در ماه. محمد گلپور، رئیس وقت زندان لاکان، خود اذعان کرده بود که هر تخته فرش ۱۲ تا ۱۸ متری ابریشمی میلیاردها تومان ارزش دارد و به خارج از ایران صادر می‌شود. پس از پایان ساعات قالیبافی، زندانیان بدون هیچ دستمزدی به شستن فرش‌ها، ملحفه‌های شخصی و نظافت آسایشگاه زندانبانان وادار می‌شوند؛ پاداشی که نهایتاً به چند تکه لباس کهنه یا مبلغ ناچیزی معادل ۶۰ هزار تومان در هفته ختم می‌شود. این در حالی است که بندهای زندانیان حتی از ابتدایی‌ترین امکانات مانند فرش محروم‌اند.

زندان اوین

در زندان اوین، تمامی امور خدماتی درون بندها، از نظافت تا انتقال بیماران، توسط خود زندانیان و بدون دریافت مزد انجام می‌شود. زندانیان سیاسی به‌طور سیستماتیک از حقوقی همچون تماس تلفنی منظم، مرخصی و آزادی مشروط محروم‌اند؛ چرا که تصمیم‌گیری در این موارد توسط نهادهای امنیتی همچون سپاه

بیانیه بمناسبت ۳ می، روز جهانی آزادی مطبوعات و رسانه



تبدیل کرده است.

حکومت علاوه بر این تعرضات غیر قانونی و سیستماتیک، ربودن گوشی های موبایل شخصی افراد در تجمعات اعتراضی و مطالباتی و همچنین ضبط

وسایل الکترونیکی در یورش به منازل، به شیوه ای معمول و گستاخانه تبدیل کرده که تجاوز به حریم خصوصی مردم و نمونه و مصداق سرکوب و محدود کردن آزادی تبادل اطلاعات و اخبار است.

کنترل و محدودیت های شدیدتر و امنیتی کردن خبر رسانی در جریان رویدادها و حوادث از جمله در فاجعه های تلخ معدن طبس و اسکله رجایی بندرعباس را برای جلوگیری از انتشار شفافیت اطلاعات، آشکارا می بینیم.

شورای بازنشستگان ایران با گرامیداشت سوم ماه می، روز جهانی آزادی رسانه، از حق طبیعی آزادی بی قید و شرط اندیشه و بیان، و تضمین گردش آزاد اطلاعات در همه اشکال دفع کرده و هرگونه مانع و محدودیت و کاستن از دسترسی به این حق را مصداق سرکوب و تعرض به حقوق مردم می داند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط خبرنگاران و روزنامه نگاران در حبس و پایان دادن به پرونده سازیهای امنیتی-قضائی برای آنان است.

آزادی-یقیدوشرط-بیان-وگردش-اطلاعات

آزادی-فوری-خبرنگاران

شورای بازنشستگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

امروز، سوم ماه می روز جهانی #آزادی-مطبوعات ست که بطور کلی آزادی رسانه از جمله اینترنت، شبکه های اجتماعی و تضمین گردش آزاد، بی سانسور و بی قیدوشرط را در بر میگیرد.

همرسانی رویدادها و داده ها و تبادل افکار گوناگون امروز حق عمومی مردم جهان است.

کنترل، محدودیت، فیلتر کردن، کند کردن و هرگونه اخلال عامدانه در سیستم اینترنت و شبکه های اجتماعی، مصداق آشکار سانسور، سرکوب و تعرض به حقوق طبیعی شهروندان است.

برخورداری از خبرگیری و خبر رسانی و تبادل آزاد و نامحدود و بی قید و شرط اطلاعات، بدیهی ترین حق هر انسان در دنیای امروز است.

حق آزادی اندیشه و بیان، یکی از دستاوردهای مبارزات انسان در جهان معاصر است که بعنوان بخشی از حیات اجتماعی جوامع محسوب می شود، در نتیجه سلب آزادی بیان و تبادل اطلاعات، بمنزله سلب زندگی اجتماعی است.

حکومت در ایران که از ابتدا، ظهور شبکه های اجتماعی را بمثابه نوری بر تاریکخانه فعالیت های خود میدید به مقابله با آن برخاست و علیرغم توسعه کسب و کارهای اینترنتی و گره خوردن این فن آوری با زندگی معیشتی صدها هزار کاربر این عرصه، از هیچ کوششی برای کنترل و محدودیت و اخلال آن کوتاهی نکرد. مخصوصاً پس از شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی، خبرنگاران و روزنامه نگاران هدف مستقیم و اولویت سرکوب دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی قرار گرفته و صدها خبرنگار و روزنامه نگار احضار، بازجویی، بازداشت و حبس شده اند که تا امروز همچنان با شدت بیشتری ادامه دارد و ایران را به سومین زندان بزرگ روزنامه نگاران

از صفحه ۱۷

بهره کشی سیستماتیک ...

بنیاد تعاون زندان ها طبق قانون باید صرف بهبود شرایط زندان ها شود؛ با این حال زندانیان ناچارند حتی هزینه اقامت ضروری مانند آب آشامیدنی سالم، یخچال و وسایل گرمایشی را از جیب خود پرداخت کنند.

از سوی دیگر، بسیاری از زندانیان که به دلیل ناتوانی در پرداخت دیه یا رد مال در زندان مانده اند، بدون کوچک ترین حمایت از سوی نهادهای مسئول، سال ها در زندان گرفتار می شوند. شخصاً شاهد بودم که در مواردی، هم بندی های زندانیان با جمع آوری پول میان خود، برای آزادی زندانیان اقدام کردند؛ کاری که نهادهای مسئول عملاً از انجام آن سر باز زدند. آنچه در زندان های جمهوری اسلامی ایران جریان دارد، نه فرآیند اصلاح و تربیت است و نه اجرای عدالت. این زندان ها عملاً به اردوگاه های کار اجباری تبدیل شده اند؛ محیط هایی سرشار از تحقیر، خشونت، عدم رعایت حقوق ابتدایی زندانی و سوءاستفاده. قوانین و آیین نامه ها صرفاً برای فریب افکار عمومی و تزئین ویتترین حقوق بشری نوشته شده اند، در حالی که واقعیت، سیاه تر و دردناک تر از آن است که بتوان با ظاهر سازی آن را پنهان کرد.

بسیاری از زندانیان، چه در دوران حبس و چه پس از آزادی، با عوارض جسمی و روانی ناشی از کارهای طاقت فرسا و تحمیلی در زندان دست به گریبان می شوند. این آسیب ها شامل اختلالات اسکلتی-عضلانی، فرسودگی جسمانی، بیماری های پوستی و عفونی، و مشکلات جدی روانی از جمله اضطراب، افسردگی و اختلالات استرس است. در شرایطی که هیچ گونه استاندارد ایمنی و بهداشتی رعایت نمی شود و هیچ حمایت درمانی یا بیمه ای برای زندانیان وجود ندارد، این آسیب ها نه تنها درمان نمی شوند، بلکه اغلب تا سال ها پس از آزادی نیز زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می دهند. برگرفته از مدیای اجتماعی

پاسداران و وزارت اطلاعات انجام می گیرد. تا سال ۱۳۹۵، زنان زندانی در اوین حتی از حق تماس تلفنی نیز محروم بودند و تنها پس از اعتصابات اعتراضات جمعی، به آنان ۳۰ دقیقه تماس هفتگی (سه روز در هفته و هر روز ده دقیقه) اختصاص یافت. هزینه تماس ها در تمام زندان ها توسط زندانیان پرداخت می شود و همچون سود خرید اقامت خریداری شده از فروشگاه به حساب بنیاد تعاون (وابسته به سپاه پاسداران) و انجمن حمایت واریز می شود؛ نهادهایی که مطابق قانون باید این درآمدها را صرف رفاه زندانیان کنند، اما در عمل، هیچ نشانی از بهبود شرایط زندانیان دیده نمی شود.

قانون برای ویتترین

آیین نامه های رسمی سازمان زندان ها، به ظاهر بر حقوقی چون بیمه کارگران زندانی، ممنوعیت به کارگیری آنان در امور اداری یا انتظامی، تغذیه مناسب، زمان استراحت کافی و معافیت بیماران و سالمندان از کار تأکید دارند. اما در واقعیت، این قوانین صرفاً در ویتترین وجود دارند و در عمل، زندانیانی که از پذیرش کار تحمیلی سر باز زدند، از حقوق اولیه ای چون تماس تلفنی محروم شده یا عملاً به انزوا رانده می شوند. درآمدهای روزانه میلیاردی

**به حزب کمونیست
کارگری بپیوندید!**

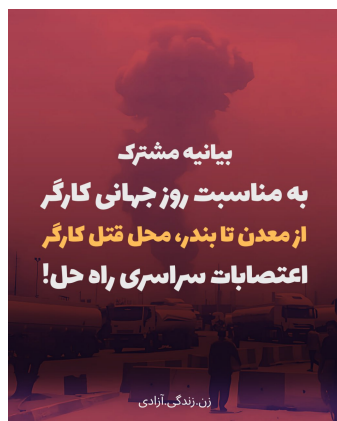
تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر

از معدن تا بندر، محل قتل کارگر! #اعتصابات_سراسری راه حل!



نفتی و گازی، هر مرکز تولیدی و خدماتی، هر دانشگاه و مدرسه میتواند به سنگر مبارزه بدل گردد.

ما برای دستیابی به «آزادی و برابری، رفاه همگانی، سکولاریسم، مدرنیسم، امنیت، عدالت اجتماعی، رفع فوری هرگونه تبعیض طبقاتی، جنسی-جنسیتی و

اتنیکی، بهداشت و درمان رایگان، بیمه بیکاری و درمان کارآمد برای همگان، تحصیل رایگان و اجباری مطابق آخرین استانداردهای جهانی برای همه کودکان، آموزش جنسی استاندارد در مدارس، ممنوعیت کامل کار کودک، پاکسازی مدارس و دانشگاهها از آموزش دینی و نیروی نظامی و امنیتی، آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه و عقیده، آزادی اعتراض و اعتصاب و تجمع و تشکل و تحزب، آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات شنیع اعدام، به رسمیت شناختن کامل حقوق افراد LGBTQIA+، و تحقق کامل مطالبات زنان طبق منشور پیشرو زنان ایران و منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های صنفی»، انقلاب #زن_زندگی_آزادی را فرصتی تاریخی میدانیم و تاکید داریم برای گرفتن این حقوق اولیه انسانی که نجات میلیون‌ها انسان را تضمین میکند، در گام اول می‌بایست این نظام را از سر راه خود برداریم.

در این مسیر به جامعه جهانی هشدار می‌دهیم: ما نه جنگ طلبیم و نه مذاکره و توافق مساله ماست، بلکه پایان ریشه‌ای وضعیت ضدانسانی موجود و مسبب آن امر ماست. لذا جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار (ILO)، تمام نهادهای بین‌المللی اخراج، و به عنوان حکومت آپارتاید جنسی-جنسیتی در سطح جهانی بایکوت شود.

ما تاکید داریم اکنون زمان آن است که همه جنبش‌ها و نیروهای مبارز و انقلابی از کارگران و معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و کادر درمان، کسبه و مغازه‌داران، رانندگان حمل و نقل شهری و کامیونرانان، به هم پیوندند چراکه با ایجاد یک شبکه بزرگ و سازماندهی سراسری اعتراضات و اعتصابات همزمان و مستمر است که می‌توانیم این نظام پوسیده را از قدرت به زیر بکشیم.

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی!

زنده باد اتحاد و همبستگی مردمی!

پیش بسوی اعتراضات و اعتصابات سراسری! (برگرفته از مدیای اجتماعی)

در آستانه روز جهانی کارگر، در لحظه‌ای انفجاری و تاریخی ایستاده‌ایم. زمین زیر پای جمهوری اسلامی می‌لرزد و نفرت و خشم، کوچه، خیابان، کارخانه، دانشگاه و مدرسه را فرا گرفته است.

هنوز آتش داغ کارگران جانباخته در معادن خاموش نشده بود که فاجعه تلخ و خونین بندر رجایی که جنایتی دیگر از سوی صاحبان قدرت و ثروت است، ده‌ها جان را بی جان کرده و در دل خاک نشانده، ده‌ها نفر را مفقود کرده و هزاران نفر را زخمی و معلول ساخته است.

فقر، بیکاری، ناامنی، استعمار، تبعیض، جنایت، این‌ها چهره واقعی حکومتی است که تنها با سرکوب و خونریزی و جنگ افروزی بر قدرت چنگ انداخته است.

جمهوری اسلامی، این رژیم دزدسالار، مافیایی و به غایت ضدانسانی، امروز بیش از هر زمان دیگری بر لبه پرتگاه سقوط ایستاده است. ابربحران‌های عمیق اقتصادی، انرژی، فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، زیست‌محیطی و بین‌المللی، پایه‌های حکومت را پوسانده و هر فاجعه تازه، گواهی خونین بر فروپاشی نظم موجود است؛ حاکمیتی که زیست انسان در آن به صحنه‌ای دهشتناک از فیلم‌های آخرالزمانی بدل شده است.

اما مردم جان به لب رسیده، از کارگران گرفته تا معلمان، پرستاران و کادر درمان، بازنشستگان، دانشجویان، دانش‌آموزان، هنرمندان و ورزشکاران و نویسندگان و وکلای، بیکاران، آتیش‌ها، رنگین‌کمانی‌ها، فعالان محیط زیست، کارگران مهاجر، دادخواهان، و زنان مبارز، امروز در صفوفی به هم فشرده، پرچم انقلاب زن زندگی آزادی را همچنان برافراشته‌اند و تسلیم این شرایط اسفناک نشده‌اند.

انقلاب ما آغاز شده است، اما هنوز در راه پرچالش رسیدن به پیروزی در پیش است.

دشمن درمانده اما خون‌آشام، با تداوم جنگ علیه زنان، سرکوب مدارس و دانشگاه‌ها، زندانی کردن معترضان، اعدام‌های پی در پی و حتی دست دراز کردن به سوی آمریکا پس از سال‌ها دروغ‌گویی و دشمن‌تراشی، به وضوح نشان داده که بوی پایان را حس کرده است.

این حکومت از معدن تا بندر را به محل قتل کارگر تبدیل کرده، و زندانی به وسعت یک ایران ساخته که هیچ انسانی در آن از محرومیت و شکنجه و مرگ، در امان نیست.

ما امضا کنندگان این بیانیه عمیقاً بر این باوریم که در این نبرد مرگ و زندگی، دیگر راهی برای انتظار یا توهم به نجات دهنده نمانده است.

قدرت در دستان ماست و تنها سازماندهی انقلابی و اعتراضات و اعتصابات سراسری می‌تواند این ماشین سرکوب را درهم بشکند. بنابراین هر کارگاه، هر کارخانه، هر میدان

امضا کنندگان:

تشکل دانشجویان پیشرو
انجمن آزادی‌خواهان بهشتی
نهاد آزادی‌خوان دانشگاه تهران شمال
اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان
اتحاد دانشجویان دانشگاه الزهرا

جمعی از دانشجویان:

دانشگاه اصفهان
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
دانشگاه تهران
دانشگاه آزاد اصفهان

تشکل دانش‌آموزان انقلابی بوشهر
تشکل دانش‌آموزان انقلابی تهران

یاسمن آریانی - فعال حقوق زنان
ویکتوریا آزاد - فعال و تحلیلگر سیاسی، مؤسس شبکه ایرانیان
فرید آشنا، نویسنده و فعال کوپیر از افغانستان
ایمان آقایی - فعال سیاسی
آرش احترامی - شاعر
مینا احدی - سخنگوی کمیته علیه اعدام، فعال حقوق زنان
اله اجباری - فمینیست و فعال حقوق بشر
فاطمه اختصاری - شاعر و نویسنده، فعال حقوق زنان
مرجان ارونودی - پژوهشگر و استاد دانشگاه
عظمت اژدری - خواهر دادخواه غنیمت اژدری، عضو انجمن خانواده‌های PS752
سارا افراسیابی - روانشناس، نویسنده و فمینیست
الهام (الی) امیدواری - فعال اجتماعی
ملیکا امینا - هنرمند و فعال حقوق زنان و حقوق رنگین‌کمانیها
سپیدا انزلی، فعال مدنی و کادر درمان
آستاره انصاری - وکیل دادگستری، از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی
سوری بابایی گیتی - فعال حقوق زنان و کارزار حجاب بی‌حجاب
آزاده بارزاده - روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان
حسن باقری‌نیا - استاد اخراجی دانشگاه حکیم سبزواری
شبنم باور - فعال حقوق زنان
کوکب - بداندی‌یگاه - فعال صنفی معلمان
نادیا بهاری - فعال حقوق زنان
شعله پاکروان - مادر دادخواه ریخته جباری
ندا پاکروان، ترنس
فریبرز پویا - فعال حقوق سکسوار و برنامه‌تان و گل سرخ
پریسا پوینده - دبیر کمیته آزادی زندانیان سیاسی



تجمع "غیرقانونی" شرکت نکنند. شب قبل از اول مه نیز تماس‌های تهدیدآمیز، احضار فعالان، و حتی اعمال فشار بر خانواده‌های آنان شدت یافت. و در روز اول مه در شهرهایی چون تهران، بوشهر، همدان، رشت و مازندران، نیروهای امنیتی مستقیماً مانع شکل‌گیری تجمعات شدند. در جریان این کشاکش‌ها دستگیری‌هایی نیز صورت گرفت که هنوز سه نفر از بازداشت شدگان در تهران به اسامی ولی میرزا سیدی، فراهی شاندیز، احمد حیدری و در شهریار حسین عبادیان در زندانند. آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان یک خواست فوری برگزار کنندگان اول ماه مه و همه ماست.

تجمع، اعتراض، تشکل و برگزاری مراسم اول مه حقوق پایه ای کارگران و مردم است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تعرض وحشیانه حکومت اسلامی به مراسم های اول مه و دستگیری و ضرب و شتم کارگران و شرکت کنندگان در تجمعات را قاطعانه محکوم میکند و انتظار همراهی اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی را در این اعتراض و فشار آوردن برای آزاد کردن دستگیر شدگان اول مه را دارد. دستگیر شدگان اول مه، کارگران زندانی و معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - (FREE THEM NOW)

۳ مه ۲۰۲۵ - ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

دستگیر شدگان اول مه باید فوراً آزاد شوند

Free Them Now

امسال در ایران همچون همیشه شاهد کشاکش بسیاری از سوی کارگران و مردم با نیروهای حکومتی برای برگزاری روز جهانی کارگر بودیم. تحرکات برای گرامی‌داشت این روز جهانی کارگری وسیع بود. تهدیدات امنیتی از هفته ای قبل از اول مه آغاز شد. اما علیرغم این تهدیدات در شهرایی چون کرمانشاه، سنندج، اراک، قزوین، شیراز، هرسین، سنندج، سقز و ممسنی و نورآباد، مراسم های روز جهانی کارگر برگزار شدند. در اهواز در هفتم اردیبهشت بازنشستگان تامین اجتماعی به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و بتر اول مه را برافراشتند. بدنبال فراخوانهای آنها شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و غیر رسمی نفت نیز در اطلاعیه مشترکی از این فراخوانها اعلام پشتیبانی کردند و شورای سازماندهی اعتراضات پرستاران هم با تاکید برتداوم اعتراضاتشان فراخوان به گرامی‌داشت روز جهانی کارگر دادند. در کنار فراخوانها کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و بخش های مختلف مردمی با بیانیه هایشان به مناسبت این روز جهانی در گرامی‌داشت آن به استقبال اول مه رفتند.

معلمان و بازنشستگان فراخوان دهندگان تجمعات اعتراضی سراسری برای روز یازده اردیبهشت، و دو ستون اصلی برگزاری این روز همبستگی جهانی کارگری در ایران بودند.

سرکوبگری حکومت برای جلوگیری از برگزاری مراسم اول مه امسال در ایران شدید تر بود. زیرا حکومت از فضای انفجاری جامعه و فوران قدرتمند تر انقلاب و حشت دارد. در روزهای نزدیک به اول مه فعالین صنفی در استان‌های مختلف بویژه در قزوین، کردستان، فارس، خوزستان، مازندران، کرمانشاه، گیلان، و مشهد ... با انواع شیوه‌ها مورد تهدید قرار گرفتند. برای معلمان پیامک ارسال شد و تهدید شدند که در



جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار باید اخراج شود

اجلاس سالانه امسال سازمان جهانی کار در روزهای ۱۲ تا ۲۳ خرداد (دوم تا سیزدهم ماه ژوئن) برگزار خواهد شد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی همچون سالهای گذشته در اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس و با تاکید بر اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان به ژنو خواهد رفت و تلاش میکند صدای اعتراض کارگران و مردم ایران در آنجا باشد.

بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر: ادامه امضا ها

